

مختصری
از زندگینامه‌ی
شیخ محمد ناصرالدین آلبانی

مؤلف:

ابومحمد سجاد

عنوان کتاب: مختصری از زندگی‌نامه‌ی شیخ محمد ناصرالدین آل‌بانی
مؤلف: ابومحمد سجاد
موضوع: تاریخ اسلام - زندگی‌نامه - علما و اسلام‌شناسان
نوبت انتشار: اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار: اسفند (حوت) ۱۳۹۴ شمسی جمادی الاول ۱۴۳۷ هجری
منبع: سایت عقیده



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.
www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب	أ
پیشگفتار	۱
مقدمه	۳
تولد	۱۰
هجرت پدر شیخ	۱۰
در راه تکامل و آغاز زندگی علمی	۱۱
منبع درآمد	۱۲
روی آوردن شیخ به علم حدیث	۱۳
برنامه‌ریزی در وقت	۱۷
جلوه‌هایی از عبادت، تقوا و تواضع شیخ	۱۹
تحلیل:	۲۱
دعوت در راه خدا و انقلاب فکری	۲۲
برگزاری مجالس علمی	۲۷
ارتباط با اهل علم	۲۸
شیخ ناصرالدین آلبانی در دانشگاه اسلامی مدینه منوره	۳۷
شخصیت علمی شیخ و آثار آن بر دانشگاه اسلامی مدینه منوره	۳۷

- مشکلات از راه می‌رسند..... ۳۹
- در مسیر هجرت: ۳۹
- اخلاق شیخ در بررسی مسایل علمی و تحقیقی ۴۱
- دیدگاه صاحب کتاب: «موسوعه اطراف الحدیث النبوی» در مورد تألیفات
شیخ آلبانی ۴۳
- شیخ آلبانی بر افرازنده‌ی پرچم تصفیه و تربیت ۴۴
- منظور از تصفیه ۴۴
- تصفیه و پاکسازی اسلام از خرافات و منکرات و بدعات ۴۴
- مخالفتان و مخالفت‌ها با شیخ آلبانی ۴۵
- شیخ ناصرالدین آلبانی و دیدگاه او نسبت به ائمه‌ی اربعه ۴۷
- سخنی پیرامون سلفیه و انتساب به آن ۵۱
- چرا فقط با انتساب به کتاب خدا و سنت پیامبرش اکتفا نمی‌کنیم؟ ... ۵۳
- ندای اتحاد و رنج اختلاف در بیان شعر ۵۷
- وفات شیخ محمد ناصرالدین آلبانی ۵۸
- وصیت شیخ به عموم امت ۵۹
- فرازهایی از وصیت نامه شیخ محمد ناصرالدین آلبانی ۶۰
- وصیت شیخ برای طالب علم مبتدی ۶۲
- تألیفات شیخ آلبانی ۶۳

پیشگفتار

کتابی که در اختیار دارید مختصری از زندگی نامه‌ی محدث عصر حاضر محمد ناصرالدین آلبنانی است، شخصیت علمی ایشان برای طلاب علوم دینی و متخصصین علوم اسلامی شخصیتی آشنا است. علمای معاصر همواره از تفوق علمی و شخصیت حدیثی ایشان تجلیل به عمل آورده‌اند. از آنجمله: شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، علامه و محقق معروف احمد محمد شاکر، محمد راغب الطباخ، محب الدین الخطیب، مصطفی الاعظمی، یوسف القرضاوی، محمد الغزالی، حسن البنا و محمد امین مصری.

شیخ آلبنانی از سال ۱۳۸۱ ه.ق. تا سال ۱۳۸۳ ه.ق. افتخار تدریس و استادی کرسی حدیث، علوم الحدیث و فقه الحدیث دانشگاه اسلامی مدینه منوره را داشتند، ایشان پس از ۶۰ سال خدمت به احادیث پیامبر بزرگوار اسلام در امر تحقیق و تخریج و تربیت شاگردان بسیار در مورخه (۲۲/۱۴۲۰/۶ ه) برابر با (۱۰/۲/۱۹۹۹م) در عمان پایتخت اردن دار فانی را وداع گفت.

با شنیدن خبر وفات ایشان طلاب، دانشجویان و دانشگاهیان جهان اسلام بویژه طلاب رشته‌ی حدیث در غم و حسرت از دست رفتن چنین شخصیتی به سر بردند. زیرا شیخ محمد ناصر الدین آلبنانی تمامی زندگی، وجود، نبوغ، زبان و قلم خود را وقف اسلام و احیای کتاب و سنت صحیح نمود و همه چیز خود را در این مسیر نهاد، هم و غم او پیراستن دین از زواید و آراستن آن به اصالت‌ها و به تصویر درآوردن اسلام راستین و پویا و تحقیق بخشیدن عقیده‌ی سلف صالح درمیان امت اسلامی بود. ناصرالدین

آلبانی گرچه اولین فرد در این راه نبود ولی بدون شک یکی از بهترین‌ها بود. او عمر خود را وقف یک چیز گرانبها نمود: دعوت به کتاب و سنت صحیح براساس فهم سلف صالح، او از حدیث رسول الله ﷺ می‌گفت، می‌شنید و می‌نوشت. او مسلمانان را عموماً و علما را خصوصاً دعوت به عمق اندیشی و اصالت‌گرایی می‌کرد و می‌خواست دین را از زاویه‌ی دین بنگرند نه آنچه از پدران و مادران دیده و یا شنیده‌اند، زیرا عقیده و عمل اسلامی چیزی نیست که بتوان آن را به ارث برد، بلکه باید آنرا از اصلش - کتاب و سنت صحیح - آموخت، باورش نمود و ترویج داد.

با وفات ایشان و شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز با فاصله‌ای کمتر از پنج ماه امت اسلامی دو ستاره‌ی درخشان آسمان علم و فضیلت را از دست داد. از خداوند مسئلت داریم امت را در مسیر عقیده‌ی صحیح و عمل اسلامی قرار داده و مجد و عظمت آن را با حضور علمای واقعی و دلسوز حفظ کند.

آمین

مقدمه

إن الحمد لله، نحمده ونستعينه ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضلَّ له، ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٢﴾﴾ [آل عمران: ١٠٢]. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴿١﴾﴾ [النساء: ١].
 ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ [الأحزاب: ٧٠-٧١].

أما بعد:

فإن أصدق الحديث كتاب الله، وخير الهدي هدي محمد ﷺ، وشرُّ الأمور محدثاتها، وكل محدثة بدعة، وكل بدعة ضلالة، وكل ضلالة في النار.

به نام خداوند هفت آسمان	خدایى كه آموخت ما را بیان
خدایى كه چون خود قسم مى خورد	قسم را به نام قلم مى خورد
قلم این چنین مَرکب راهوار	كه نامرد و مرداند بر آن سوار

در ابتدای مقدمه عاجزانه از پروردگار جهانیان التماس دارم تا نعمت تقوا و انصاف و عدالت را در نهاد مان زنده و فعال بگرداند و توفیق عنایت فرماید تا از بندگان شاکر او باشیم.

کتابی که در اختیار دارید فزازهایی از زندگی نامه‌ی یکی از محدثین عصر حاضر است که تقدیمتان می‌گردد.

مطالبی را به عنوان مقدمه ذکر می‌کنم، امید است که مورد عنایت قرار گیرد. وبالله التوفیق:

معمولاً هرگاه از شخصیت‌ها سخن به میان می‌آید، افراد متناسب با محیط تعلیم و تربیت خویش تمجید و تجلیل از کسانی می‌کنند که در آن محیط دیده یا در مورد آنان شنیده و خوانده‌اند و یا از اساتید و مشایخشان در رابطه با آنان سفارش و یا تأکید شده است. کمتر مشاهده می‌شود نویسنده یا گوینده‌ای ذهنیت خود را و رای خواننده‌ها، شنیده‌ها و موارد سفارش شده سوق دهد و کنکاشی منصفانه از خود بروز دهد، یا حد اقل آنجا که به او سفارش می‌شود، مواظب باش! الحذر! از فلان کتاب، فلان شخص، فلان فکر و اندیشه برحذر باش! لحظه‌ای با خود بیندیشد و فکر کند، گوش فرا دهد و منصفانه به قضاوت بنشیند و جویای حقیقت باشد و خود را مصداق عملی آیه مبارکه:

﴿فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿٧﴾ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾ [الزمر: ۱۷]-

[۱۸].

«پس مژده بده بندگان مرا آن کسانی که به همه سخنان گوش فرا می‌دهند و از نیکوترین و زیباترین پیروی می‌کنند».

قرار دهد و از خداوند حقیقت را بطلبد، بدلیل اینکه جز رسول الله ﷺ احدی از خطا و اشتباه مصون نیست و طبیعی است که شخصیت مورد نظر ما که او را جویای حقیقت و دارای افکار و اندیشه‌های صحیح می‌دانیم از

این قاعده مستثنی نباشد، روی این اصل می‌طلبد که ما با در نظر گرفتن دو اصل گرانسنگ کتاب الله و سنت رسول الله ﷺ همواره جویای حقیقت باشیم و قدمی خارج از بوستانی که از بدو تولد تا مرحله‌ی بلوغ فکری از میوه‌های موجود در آن بهره گرفته‌ایم برداریم، شاید در همسایگی ما یا کمی دورتر و مقداری آنطرفتر گلستان‌هایی باشد با درختان سر به فلک کشیده، دارای انواع و اقسام میوه‌های کمیاب و چه بسا نایاب و لذیذ و در آن گلستان‌ها نهرهایی باشد از آب زلال که با جرعه گرفتن از آبش و نشستن در کنارش و تماشای صورت خود در آن معایب خود را ببینیم و از باغبانی که چنین بهارستانی را تزیین بخشیده جویای علاج شویم، او حتماً به ما خواهد گفت: صبحگاهان و شامگاهان که پرندگان بر فراز این بوستان به پرواز در می‌آیند و نغمه و آواز سر می‌دهند لحظه‌ای قدم رنجه فرمایید و از نسیم روح بخشی که پیوسته در حال وزیدن است، طراوتی تازه بگیرید و از بهترین میوه‌های این باغ بخورید و از نهرهای جرعه‌های آب بنوشید و پس از آن به تماشای صورت خود بپردازید، خواهید دید که نه تنها معایب شما برطرف شده بلکه وجودتان به فضایل نیز آراسته گردیده است و این بوستان چیزی جز همان، گلستان همیشه سرسبز و باطراوت «عقیده و منهج سلف صالح» نیست، که همواره در معرض تند بادهای طوفان‌ها و سیلاب‌های ویرانگر اوهام، خرافات، بدعات و شرکیات قرار داشته و بعضاً علم بردارانش آگاهانه و ناآگاهانه در مسیری گام برمی‌داشتند که از خرمی این بوستان کاسته شود... اما خداوند صاحب قدرت مطلق در هر برهه از زمان باغبانان توانا و چیره دستی را بوجود آورده تا مدافع حریم این بوستان باشند.

بعد از وفات رسول الله ﷺ گردبادهای منکرین زکات و مرتدین وزیدن می‌گیرد. اما ابوبکرها مقاومت می‌کنند، در زمان خلیفه‌ی چهارم خوارج ظهور می‌کنند، علی‌ها و ابن عباس‌ها و... استقامت بخرج می‌دهند ائمه

اربعه در زمان خویش در امر تدوین فقه و تخریح مسایل و جمع احادیث متحمل زحمات ارزشمند و گرانمایه‌ای می‌شوند.

در زمان خلفای عباسی مسئله خلق قرآن پیش می‌آید، احمد بن حنبل چون کوه استوار، سینه سپر می‌کند. امام بخاری و امام مسلم و مولفان سنن اربعه و محدثین دیگر آستین همت را بالا زده و مجموعه‌ی گرانبهای در طول تاریخ برای مسلمانان به یادگار می‌گذارند. تاریخ تلاش‌های علما و محدثین - که اکنون مجال تشریحش نیست - یکی پس از دیگری تکرار شد... تا به نسل حاضر رسید، و یکی از شخصیت‌های علمی و حدیثی عصر حاضر امام محمد ناصر الدین الالبانی می‌باشد که با تلاش‌ها و زحماتی که برای احیای سنت رسول الله ﷺ بخرج داد و آثاری که از خود بر جای گذاشت، منت بزرگی بر جهان اسلام نهاد. او شاگردان زیادی را تربیت کرد که در امر تحقیق و تخریح حدیث از توان علمی بالایی برخوردار هستند و با وجود چنین شخصیت‌هایی است که باید فخر بر فلک و ناز بر ستاره کنیم و شکر به درگاه خداوند به جا آوریم، و از علوم آنان استفاده‌ی بهینه در دین ببریم. شیخ ناصر الدین آلبنانی با نوشتن کتاب‌های «سلسلة الأحادیث الصحيحة وسلسلة الأحادیث الضعیفة والموضوعة»، موسوعه‌ی ارزشمندی در باب احادیث جمع‌آوری نمودند.

یکی از بارزترین ویژگی‌های علمی شیخ، کثرت مطالعه و تلاش مضاعف در تتبع مسایل علمی است.

در این جا بی‌مناسبت نیست مطلبی را که شیخ آلبنانی در تخریح یکی از احادیث «سلسلة الأحادیث الصحيحة» آورده‌اند ذکر کنم ایشان در جلد پنجم «سلسلة الأحادیث الصحيحة» (صفحه ۶۶۰) به شماره (۲۴۹۶) مِنْ

مَنَابِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «كَانَ يَبْعَثُهُ فِي عَطِيَّةِ الرَّأْيَةِ، فَمَا يَرْجِعُ حَتَّى يَفْتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ، جَبْرِيْلُ عَنْ يَمِيْنِهِ، وَمِيكَائِيْلُ عَنْ يَسَارِهِ. يَعْنِي عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ».

در تخریج حدیث فوق می‌نویسد: «أَخْرَجَهُ... وَالنَّسَائِي فِي «الْخَصَائِص»... نحوه تحقیق البلوشی».

که محقق کتاب خصائص امام نسائی دکتر احمد بن میرین سیاد البلوشی^۱ (بلوچ) هستند.

۱- دکتر احمد سیاد متولد سال ۱۳۲۴ هـ. ش از منطقه کاروان - زرآباد - از توابع شهرستان چابهار - بود که تحصیلات خود را در مدینه منوره آغاز و پس از دریافت مدرک دیپلم رسماً در دانشگاه اسلامی - الجامعة الاسلامیة - مدینه منوره در رشته «علوم حدیث» که از مهم‌ترین و مشکل‌ترین رشته‌های علم دین به شمار می‌رود ثبت نام کرد و جهت پایان نامه‌ی لیسانس، احادیث کتاب «خصائص علی بن ابی طالب» از امام نسائی را تحقیق و تخریج نموده است و جایگاه هر حدیثی را در میزان صحیح و ضعیف طبق گفته‌های علمای حدیث و فن رجال بیان داشته و در تحقیق این رساله و جهت دریافت نسخه‌های متعدد و اصلی به مشکلات زیادی برخورد کرده است و به کشورهای متعددی از جمله هندوستان، مصر، ایران، مغرب و اردن سفرهایی انجام داده است و اکنون کتاب مذکور در دسترس دانش پژوهان قرار دارد و قبل از شهادت و بعد از شهادت دکتر احمد، در بیروت، کویت، اردن و عربستان به چاپ رسیده است، و پایان نامه‌ی دکترای ایشان تحقیق و تخریج احادیث کتاب «المعجم ابن الأعرابی» است.

کتاب «المعجم» نوشته‌ی ابوسعید احمد بن محمد بن زیاد بن الاعرابی از علمای قرن سوم هجری بوده است و کتاب «المعجم» یکی از بارزترین کتاب‌های حدیث قرن سوم می‌باشد که دکتر احمد رحمته ظرف سه سال تحقیق و بررسی و تلاش‌های فراوان توانست به خوبی از عهده‌ی این کار علمی و فرهنگی بر آید که شش جزء آن را به عنوان «پایان نامه‌ی دکترا» در سال ۱۴۰۶ هـ. ق. تقدیم نمود و در حال تحقیق و بررسی شش جزء دیگر آن در حوزه علمیه دار السنه زرآباد بود که متأسفانه

مشکلات و آزمایش‌های گوناگون، از ماندن مدت‌های طولانی در زندان تا مرز شهادت این کار نا تمام ماند. دکتر احمد ضمن بررسی این کتاب مهم، به مشکلاتی مواجه گردیده که در مقدمه کتاب به آن اشاره نموده است. جهت دسترسی به اسناد بعضی روایات و تصحیح عبارات و دریافت نمودن نسخه‌های قدیمی و موثق، سفرهایی به کتابخانه‌های باستانی ترکیه، هندوستان و غیره انجام داده‌است. کسانی که در رشته‌ی تحقیق حدیث بهره‌ای برده‌اند و گام‌هایی برداشته‌اند ارزش کار دکتر احمد را در کثرت مراجع و قدرت حافظه و ذکاوت و حسن بیان او می‌بینند. شیخ احمد سیاد اولین دانشجوی ایرانی بود که موفق به اخذ مدرک دکترا از دانشگاه اسلامی مدینه منوره گردیدند. بعد از پایان تحصیلات به منطقه خود مراجعه نمود و مدرسه‌ی دینی (دارالسنه) را تأسیس کردند و همزمان با تأسیس مدرسه کتابخانه‌ی آن را نیز راه اندازی نمودند و اکثر کتاب‌های مراجع و منابع حدیث و فقه و تاریخ را فراهم نمودند که اکنون بعد از شهادت ایشان کتابخانه‌ی مدرسه با رونق هرچه بیشتر - بجز از وجود شخص ایشان - یکی از غنی‌ترین کتابخانه‌ها به شمار می‌رود. ایشان پس از دو سال از تأسیس مدرسه در مسافرتی که به تهران داشت در آنجا بازداشت و روانه‌ی زندان گردید و پس از پنج سال بازداشت در سال ۱۳۷۱ آزاد شد و سرانجام در سال ۱۳۷۴ در فرودگاه بندرعباس دستگیر و پس از چهارروز، صبح پنجشنبه ۱۱ رمضان ۱۳۷۴ جسد بی‌جان ایشان در شهر میناب در کنار فلکه‌ای یافت می‌شود و در روز جمعه ۱۲ رمضان در کنار قبر مادر مهربان و پدر فداکارش به خاک سپرده می‌شود.

﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾.

دکتر احمد یکی از پرچمداران قرآن خدا و سنت رسول الله بود. پیام روشن توحید را در کم‌ترین مدت زمان به ملت بلوچستان و ایران رساندند. او به واسطه‌ی سنت حسنه‌ای که به جا گذاشتند اجری نیکو خواهند داشت و این پاداش تا قیامت افزایش خواهد یافت، چون خواهند بود کسانی که از او تبعیت نموده و راه او را دنبال کنند. او فقط یک چیز تبلیغ می‌کرد و بس و آن اینکه ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ [الأحزاب: ۲۱]. حال این سؤال مطرح است که چرا چنین دلسوزانی قربانی امیال و خواسته‌های دیگران شوند؟ آیا با قتل و کشتار و دستگیری و محاکمه‌ی افراد به بهانه‌های مختلف و توهین و تحقیر مقدسات و معتقدات دیگران و تنگ نمودن

نکته‌ی قابل توجه و تعجب این است که شیخ آلبانی محدث گرانمایه‌ی جهان اسلام، در تحقیقات خویش از تألیفات و نوشته‌های محققان معاصر نیز استفاده می‌کرده. جالب توجه اینکه خود شیخ احمد سیاد باز در تحقیق کتاب «المعجم - ابن الأعرابی» در یک مورد در تخریج حدیث شماره «۱۲۲» می‌نویسد «...وأنا أستغرب من الشيخ الألباني حفظه الله تعالى إيراد الحديث في سلسلة الأحاديث الصحيحة (۴/۴۳) برقم (۱۵۳۰) وتحسينه له إياه. الجزء الأول من كتاب المعجم ص ۲۰۷». از این موارد در نوشته‌های محققین بسیار است اما از آنجا که کتاب حاضر به زبان فارسی است، مناسب دانستم یادی از شیخ احمد سیاد دکترای حدیث، از ایران زمین، داشته باشم، شخصیتی که از فضلالی دانشگاه اسلامی مدینه منوره بود که روزگاری شیخ آلبانی نیز در آنجا تدریس نموده و در آخر عمر وصیت کرده بود همه کتاب‌هایش اعم از خطی و چاپی و دست نوشته‌هایش به کتابخانه‌ی دانشگاه اسلامی مدینه منوره اهدا شود.

والسلام

۱۳۸۱/۷/۱۶ ه. ش.

«ابومحمد سجاد»

دایره‌ی تبلیغات مذهبی و دینی می‌توان جلوی صاحبان عقیده‌ی توحید و منادیان قرآن و سنت را گرفت؟
تاریخ پاسخ می‌دهد و قضاوت خواهد نمود...

تولد

علامه‌ی محدث محمد ناصر الدین آلبانی سال ۱۳۳۲ ه.ق. برابر با ۱۹۱۴ م در شهر آشکودره پایتخت آنروز کشور آلبانی «Albania» واقع در جنوب قاره‌ی اروپا چشم به جهان گشود^۱. خانواده‌ای که شیخ در آن متولد شد از لحاظ مادی فقیر اما از لحاظ معنوی پر بار بود، خانواده‌ای متدین، اهل علم، برخوردار از حمیت دینی و...

هجرت پدر شیخ

پدر بزرگوار ایشان حاج نوح نجاتی آلبانی از علما و فقهای مذهب حنفی بودند، پس از اینکه تحصیلات علوم دینی را در مراکز علمی آستانه‌ی قدیم «استانبول امروزی» پایتخت دولت عثمانی فراگرفتند به سرزمین خود آلبانی مراجعه کردند. مردم آن دیار جهت فراگیری امور شرعی به ایشان مراجعه می‌کردند. بعد از اینکه حکومت وقت آلبانی را فردی لائیک بنام «احمد زوغو» بدست گرفت، پدر شیخ به منظور حفظ دین و ایمان و

۱- نقل از کتاب: (مع شیخنا ناصر السنة والدین محمد ناصر الدین الالبانی): تألیف عبدالحمید الحلبي ص ۵ . کتاب: (محدث العصر محمد ناصر الدین الالبانی) تألیف سمیر بن امین الزهیری. در کتاب: (مقالات الالبانی) تاریخ تولد شیخ سال ۱۳۳۳ ه.ق ذکر گردیده. ص ۱۸۳-۱۹۷.

آینده‌ی فرزندان‌ش تصمیم گرفت تا به یکی از سرزمین‌های اسلامی مهاجرت نماید.^۱

- مبدأ هجرت: آل‌بانی.
- مقصد: سوریه.
- منظور از هجرت: حفظ دین، ایمان و آینده‌ی فرزندان.
- انگیزه‌ی انتخاب سوریه به عنوان دارالهِجْرَة: شناختی که از این سرزمین در ایاب و ذهاب خویش برای ادای فرضیه‌ی حج داشتند و فضایی که سرزمین شام (سوریه) از آن برخوردار بود و دعایی که رسول الله در مورد آن سرزمین کرده است.^۲

در راه تکامل و آغاز زندگی علمی

شیخ محمد ناصرالدین آل‌بانی که از هوش و استعداد سرشاری برخوردار بود، اولین بار به مدرسه ابتدایی «اسعاف خیری» در شهر دمشق رفتند و در

۱- محدث العصر محمد ناصرالدین الالبانی ص ۸-۹ مختصر کتاب الالبانی (جهاده و حیات‌ه العلمیه) و ثناء العلماء علیه ص ۷.

۲- از جمله بیانات پیامبر بزرگوار اسلام در فضیلت سرزمین شام (سوریه) به این دو حدیث می‌توان اشاره نمود:

(۱) «عن ابن عمر رضی الله عنهما: أن رسول الله ﷺ قال: اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَأْمِنَا اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي يَمِينِنَا...» (عارضه الأهودي به شرح صحيح الترمذي جلد ۱۳ کتاب المناقب، باب في فضل الشام و اليمن ص ۲۹۹).

(۲) «طوبى للشام إن ملائكة الرحمن باسطة أجتحتها عليه». سلسلة الأحاديث الصحيحة جلد ۲ شماره حدیث ۵۰۳.

همین بین به مدرسه‌ای دیگر واقع در «ساروجه» منتقل شدند و در آنجا دروس مقطع ابتدایی و اولیه را به اتمام رساندند.

از آنجایی که پدر بزرگوار شیخ، نظام آموزشی مدارس را از نظر دینی برای فرزندش رضایت بخش و کامل نمی‌دانستند، پس از پایان دوره‌ی ابتدایی وی را از مدرسه بیرون نمود و خودش جهت آموزش فرزند دلبندش برنامه ریزی دقیق، علمی و فشرده‌ای ترتیب دادند و قرآن، تجوید، صرف و فقه مذهب حنفی را به وی آموختند. همچنین شیخ محمد ناصرالدین بعضی از علوم دینی و عربی را نزد بعضی از علما که از دوستان پدرش بودند فراگرفت، از آن جمله شیخ سعید البرهانی بودند که شیخ آلبنی کتاب «مراقی الفلاح» و بعضی از کتاب‌های جدید در فن بلاغت را از ایشان فرا گرفتند، روزها و ماه‌ها و سال‌ها پشت سر هم می‌گذشتند در حالیکه شیخ مشغول تحصیل علوم دینی بودند.

منبع درآمد

پدر شیخ که انسانی وارسته بود و سرد و گرم روزگار را دیده و لذت کدّیمین و عرق جبین را چشیده بود، در کنار اشباع فرزندش از نظر علوم معنوی، از ناحیه‌ی مادی نیز در حق فرزندش غفلت نورزید و به فکر آموزش حرفه‌ای برای فرزندش شد تا بوسیله‌ی آن امرار معاش کند. شیخ در ابتدا در حرفه‌ی نجاری مشغول شد، سپس آن را رها کرد و در حرفه‌ی ساعت‌سازی - شغل پدرش - آموزش دید و تا جایی مهارت کسب کرد که در ردیف اساتید و متخصصین این فن قرار گرفت، شیخ در شهر دمشق مغازه‌ی ساعت‌سازی داشتند که مغازه‌اش دو قسمت داشت یکی برای ابزار کار و

ساعت‌سازی و دومی، قسمت داخلی که جایی برای کتاب‌ها، مطالعه و استراحت ایشان بود.

روی آوردن شیخ به علم حدیث

هنوز بیست بهار از عمر شیخ نگذشته بود که با متاثر شدن از سلسله بحث‌های مجله‌ی «المنار» که توسط شیخ محمد رشید رضا منتشر می‌شد، به‌سوی علم حدیث روی آورد. شیخ محمد المجدوب در کتاب خود تحت عنوان «علماء و مفکران» در گفتاری که با شیخ ناصرالدین داشته است می‌گوید: شیخ ناصرالدین فرمودند: ابتدا، به خواندن داستان‌های عربی علاقه مند شدم، سپس به تاریخ گرایش پیدا کردم و روزی در یکی از کتابفروشی‌ها در میان کتاب‌ها یک شماره از مجله‌ی «المنار» را دیدم که در آن سید رشید رضا درباره‌ی کتاب احیاء علوم الدین شیخ غزالی، محاسن و مآخذ آن بحثی علمی نموده بود. من برای اولین بار بود که چنین نقد علمی را می‌دیدم، همین مسئله باعث شد تا تمام مجله را بخوانم و به دنبال آن تخریج حافظ عراقی را بر کتاب «احیاء علوم الدین» مورد مطالعه و بررسی قرار دادم، چون توانایی خرید کتاب را نداشتم آنرا به امانت گرفته و مطالعه نمودم. با دیدن این تخریج دقیق، تصمیم گرفتم تا از آن نسخه برداری کنم. به نظرم همین کوشش و تلاش بود که مرا به ادامه‌ی این کار تشویق نمود، زیرا برای مطالعه و فهم متن کتاب احیاء علوم الدین و تخریج حافظ عراقی بر احادیث آن ناچار بودم از کتاب‌های لغت، بلاغت و غریب الحدیث نیز استفاده کنم.

استاد محمد المجدوب در ادامه می‌گوید، شیخ محمد ناصرالدین آنچه را که نسخه برداری کرده بود به من نشان داد که آنها را در سه جلد شامل

چهار جزء در ۲۰۱۲ صفحه جمع‌آوری نموده بود که به دو صورت نوشته شده بودند، یکی با خط عادی و دیگری با خط زیبا، که تعلیقات و حواشی و تفاسیر واستدراکات را با آن نوشته بود.

به‌راستی چنین تلاشی آن هم در سنین بیست سالگی از چنین جوانی، کاری در خور توجه می‌باشد و از این رهگذر بود که چراغی فروزان بر فراز راه ایشان درخشیدن گرفت و راه تحقیق و کنکاش علمی را برایش ترسیم و مسیرش را تنویر بخشید، و او را در ردیف بزرگ‌ترین خادمان به سنت پاک رسول الله در سرزمین شام - و جهان اسلام - قرار داد و برای همیشه در اوراق زرین تاریخ ثبت نمود.

شیخ اولین کار علمی خود را بر کتاب حافظ عراقی «المغنی عن حمل الأسفار فی الأسفار فی تخریج ما فی کتاب إحياء علوم الدین من الأحادیث والآثار» آغاز نمود و بعدها می‌فرمود: نعمت‌های الهی بر من بی‌شمار است به نظرم مهم‌ترین آنها دو تا است، اول، هجرت پدرم به سرزمین شام، که در نتیجه‌ی آن زبان عربی را یاد گرفتم، زیرا اگر در آلبانی می‌بودیم انتظار نداشتم حتی یک حرف از آن را یاد بگیرم و از طرفی برای یادگیری کتاب الله و سنت رسول الله ﷺ راهی جز فراگیری زبان عربی نیست.

نعمت دوم: آموزش حرفه‌ی ساعت سازی است، زیرا یک شغل آزاد بود که در کنار آن می‌توانستم در اوقات فراغت کارهای علمی را انجام دهم.

شیخ آلبانی در جواب سؤالی که از ایشان پرسیده شد، که شما چگونه بین شغل ساعت سازی و ساعت فروشی و کارهای علمی، هماهنگی ایجاد می‌نمودید؟ در پاسخ می‌گوید: درست است و این توفیق خداوند بوده که شامل حال شده است که در آغاز جوانی حرفه‌ی ساعت سازی را بیاموزم، زیرا یک شغل آزاد بود و از نظر ساعات کاری با کارهای علمی که انجام

می‌دادم تعارضی نداشت، من جز روزهای سه شنبه و جمعه روزانه فقط سه ساعت - روی این حرفه - کار می‌کردم، که در آمد آن کفاف مخارج زندگی خانواده‌ام را می‌نمود. رسول اکرم ﷺ در دعایی می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ رِزْقَ آلِ مُحَمَّدٍ قُوْتًا»^۱. «بارالها رزق خاندان محمد را برایشان کافی بگردان». که نه محتاج دیگران باشند و نه اسراف‌ی در کار باشد. بقیه‌ی اوقات به کارهای علمی و تألیف و تحقیق کتاب‌های حدیثی می‌پرداختم، به خصوص نسخه‌های خطی موجود، در کتابخانه‌ی ظاهریه. تمام وقت مانند کارمندان کتابخانه کارم را ادامه می‌دادم. نکته‌ی قابل توجه اینکه شیخ در کتابخانه، به موقع اذان می‌گفت و مسلمانانی که در کتابخانه بودند به امامت شیخ نماز می‌گذارند، همانگونه که ذکر شد اولین کار علمی و حدیثی که شیخ انجام دادند نسخه برداری و تعلیق بر تخریح حافظ عراقی بر کتاب «احیاء علوم الدین» شیخ غزالی بود. روزها یکی پس از دیگری می‌گذشت، بهار به تابستان و پاییز به زمستان عوض می‌شد اما حماسه ساز میدان مطالعه و تحقیق همچنان بلکه با همّت و توان روزافزون به کار خود ادامه می‌داد، با گذشت زمان که معلوماتش اضافه می‌شد. عطش علمی او نیز افزایش می‌یافت و به کتاب و مطالعه بیشتر گرایش پیدا می‌کرد برای دستیابی به کتاب‌های مورد نیازش که در کتابخانه‌ی پدر بزرگوارش وجود نداشت و نمی‌توانست آنها را خریداری نماید. به بزرگترین کتابخانه‌ی شام «مکتبه الظاهرية» مراجعه می‌نمود و تمام وقت مشغول مطالعه می‌شد بجز اوقات نماز مطالعه را رها نمی‌کرد بسیاری از اوقات غذای مختصری را در آنجا صرف می‌نمود و به منزل نمی‌رفت. در واقع روش علما و محدثین چنین

^۱ - «أَيُّ أَكْفَهُمُ مِنَ الْقُوْتِ بِهَا لَا يَرْهَقُهُمْ إِلَى ذَلِّ السَّأَلَةِ وَلَا يَكُونُ فِيهِ فَضُولٌ تَبْعَثُ عَلَى التَّرْفَةِ وَالتَّبَسُّطِ فِي الدُّنْيَا...». فتح الباري جلد ۴ ص ۴۲۱.

بوده است، مثل ابن جوزی که می‌گوید: خوراکم تکه‌ای نان خشک بود که در کنار نهر، در ناحیه‌ی بصره می‌نشستم و همراه با آب صرف می‌نمودم، به نظرم می‌آمد که این هم وقت مرا اشغال می‌کند. چه رسد به سفره‌های رنگین اهل علم در زمان ما که برای یک شام یا نهار چنان تشریفات، تکلفات و ساعت‌ها وقت صرف می‌نمایند و پس از آن صرف میوه، چای، شیرینی و انگهی مجالست و بدرقه و خدا حافظی! غافل از اینکه این وقت از عمر گرانبهای ماست که چون یخ آب می‌شود... و ارزش آن را دارد که صرف کارهای مفید و سودمند دیگری شود. شیخ مانند یک کارمند کتابخانه تمام وقت در آنجا مشغول مطالعه و تحقیق بود بطوری که ساعات کار کارمندان کتابخانه تمام می‌شد اما شیخ همچنان سرگرم مطالعه و بحث بود، بعد از مدتی کلید کتابخانه به ایشان داده شد و اتاقی به وی اختصاص یافت، پیش از کارمندان به کتابخانه می‌آمد و بعد از آنان بیرون می‌شد و از وقت خود حد اکثر استفاده را می‌کرد و کسانی که برای پرسش مسئله‌ای به او مراجعه می‌کردند، یا برای زیارتش می‌آمدند، خیلی مختصر به آنان پاسخ می‌داد، به نحوی که نگاه خود را از کتاب بر نمی‌داشت و به گفته‌ی دکتر محمد الصباغ «عینُ فی الكتاب عینُ فی السائل» بود «نگاهی به کتاب و نگاهی به سوال کننده». نتیجه‌ی این تحقیقات و مطالعات در تألیفات گرانسنگ شیخ و تخریج احادیث بیوع در «موسوعه فقه اسلامی» و در فهرست نمودن کتاب‌های حدیث و نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی ظاهریه دمشق بویژه مقدمه‌ای که شیخ بر فهرستی که تهیه کرده بود به خوبی آشکار است.

برنامه‌ریزی در وقت

سمیر بن امین الزهیری که یکی از شخصیت‌های علمی و از شاگردان شیخ آل‌بانی است، در کتاب معروف خود «محدث العصر محمد ناصرالدین الالبانی» می‌نویسد: من هرگز کسی را مانند شیخ ناصرالدین حریص بر وقت ندیده‌ام، ایشان نسبت به وقت خیلی حساس بودند که مبادا وقتشان بی‌مورد تلف شود، یا مشغول مطالعه بود یا تصنیف می‌کرد، یا احادیث را تخریب می‌نمود، یا تحقیق می‌کرد، یا در امر دعوت در راه خدا بود یا مشغول عبادت و ذکر خدا بود. سمیر بن امین الزهیری می‌نویسد: «فكان رحمه الله يقضي ثمانی عشرة ساعة في مكتبته وبين كتبه ومراجعه.

ومن نظر في هذا الكم الهائل من المصنفات التي تركها الشيخ مخطوطة ومطبوعة، ومن خلال أشرطته المسجلة، والتي زادت على الستة آلاف شريط - حسب تسجيلات أخين الفاضل محمد آل أبي لیل الأثري، سوی ما سجل غيره، وسوی ما كان في غير عمان - علم مدى حرص الشيخ على وقته، ومحافظته عليه»!

«شیخ رحمه الله روزانه ۱۸ ساعت از وقت خود را در کتابخانه و بین مراجع و کتاب‌هایش می‌گذراند. زمانی شما به اهمیت این نکته پی می‌برید، که کثرت تصنیفات شیخ را در نظر بگیرید، چه از کتاب‌هایی که چاپ شده و چه کتاب‌هایی که هنوز بصورت خطی است، بویژه سخنرانی‌ها و مباحث علمی شیخ که در مجالس ایراد کرده و ضبط شده است، بنا بر تسجيلات برادر محترم «محمد آل ابی لیلی الاثری» در حال حاضر بیش از شش هزار نوار از

صحبت‌های شیخ در زمینه‌های مختلف ضبط شده و موجود است علاوه از آنچه که دیگران و در غیر عمان ضبط کرده‌اند».

همواره شیخ درس‌های علمی برگزار می‌کرد، مسافرت‌هایی به منظور دعوت انجام می‌داد و مشغول مناظره‌ی با اهل بدعت و مخالفان بود. بعنوان نمونه از شیخ در خواست می‌شود کتابی در زمینه‌ی «احکام جنائز در اسلام» بنویسد تا در ایام تعزیه توزیع گردد. شیخ می‌گوید: هر چند کارهای دیگری در زمینه‌ی تألیف در دست داشتیم، اما به منظور احیای سنت و از بین بردن بدعت اقدام به تألیف کتابی در این زمینه نمودم، از آنجایی که بین علما در زمینه‌ی آداب و احکام جنائز موارد اختلافی زیادی وجود دارد، و جمع‌آوری اطلاعات در این زمینه و بررسی دلایل و نقد علمی آنها طبق اصول حدیث و اصول فقه و اختیار قول راجح، کاری طاقت فرسا و وقت گیر می‌باشد استخاره نمودم، سپس به تحقیق روی آوردم و شبانه روز تلاش کردم، فقط برای انجام کارهای ضروری و خواب از تحقیق دست می‌کشیدم، کم‌تر از سه ماه کار تألیف این کتاب را به پایان رساندم. کسانی که اهل تحقیق هستند با مطالعه‌ی کتاب «احکام الجنائز»^۱ متوجه اهمیت موضوع و استفاده از وقت خواهند شد، که چه کار بزرگی تنها بوسیله‌ی قلم توانای شیخ و استفاده بهینه از وقت در چنین مدت کوتاهی صورت گرفته است که یک گروه از توان انجام آن در چنین مدتی عاجز هستند. شیخ در زندان نیز از وقت بهترین استفاده را می‌نمود که نتیجه‌ی آن خلاصه نمودن کتاب صحیح مسلم در آنجا می‌باشد.

۱- خوشبختانه کتاب «احکام الجنائز» توسط یکی از اساتید محترم به فارسی ترجمه شده است، و بزودی چاپ و در دسترس علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت. (این کتاب توسط انتشارات حرمین منتشر شده است).

جلوه‌هایی از عبادت، تقوا و تواضع شیخ

سمیربن امین الزهیری در کتابش «محدث العصر محمد ناصر الدین الالبانی» می‌نویسد: شیخ رحمته الله جامع بین علم و عمل و نمونه‌ی کاملی از یک عالم با عمل بودند، بسیار اهل روزه و عبادت بودند.

از روزی که ایشان را شناختم به یاد ندارم که روزهای دوشنبه و پنجشنبه چه زمستان و چه تابستان روزه نداشتند. پیش از این هم عادت شیخ همین بود مگر اینکه مسافر یا مریض می‌بود.

روزهای جمعه که برای نماز جمعه به مسجد می‌رفت تا هنگام بالا رفتن امام به منبر مرتب نماز نفل می‌خواندند، هر دو رکعت را با یک سلام.

هر سال حج و عمره می‌کردند - ما استطاع إلى ذلك سبباً - و گاهی در یک سال دو بار عمره می‌کردند و در طول حیاتش بیش از ۳۰ بار حج نمودند.

شیخ محمد بن ابراهیم شَفْرَه^۱ در مرض وفات شیخ به ایشان گفتند: «إن العظیم لا یكون بلاؤه هیناً خفیفاً، إن العظیم یكون بلاؤه علی قدر عظمته، وأنت یا شیخنا عظیم، عظمتك الله تبارك وتعالی بها وهبك من علم وفقه، فکان البلاء علی قدر ما أولاك الله من عظمة فی نفسك، وبما أولاك من علم». شیخ با شنیدن این جملات تبسم کردند، قطره‌های اشک بر رخسارش جاری شد و گفته‌ی

۱- ایشان یکی از شاگردان بزرگوار شیخ آلبنی هستند که نماز جنازه‌ی شیخ به امامت ایشان خوانده شد. مراجعه شود به کتاب «محدث العصر محمد ناصر الدین الالبانی». کتاب «محدث العصر وناصر السنة» تالیف: ابراهیم محمد العلی. ص: ۵۲.

همیشگی خود را که هرگاه مدح و تعریف می‌شدند به زبان آورد: «اللهم اغفر لنا ما لا يعلمون، واجعلنا خيراً مما يظنون ولا تؤاخذنا بما يقولون».

یک روز با طلاب در عمان نشسته بودیم، مثل همیشه از شیخ آلبنانی یادی شد، ناگهان یکی از حضار سخت برآشفته و نسبت به شیخ سخنان ناشایستی بر زبان آورد -دلیلش هم اختلاف منهج ایشان با شیخ بود- فکر کردم مناقشه و صحبت با ایشان فایده‌ای ندارد زیرا اولاً انسان منصفی نبود. ثانیاً بیش از اندازه عصبانی و از حد اعتدال خارج شده بود. خطاب به او گفتم، تو که فکر می‌کنی شیخ آلبنانی چنین و چنان است -که در واقع اینطور نیست- چرا مستقیماً و از روی خیرخواهی و نصیحت با ایشان نمی‌نشینی و صحبت نمی‌کنی؟ زیرا این کار بهتر از غیبت و پشت سر صحبت کردن است، جواب دادند، آلبنانی نصیحت را قبول نمی‌کند. گفتم: آیا یک بار هم که شده این کار را تجربه کرده‌ای؟ گفتند: من ایشان را ندیده‌ام اما همه همین را می‌گویند. با خودم گفتم: سبحان الله! ایشان از سخنان مشایخ خود چنان متأثر شده که نیازی نمی‌بیند خود شخصاً حقیقت را بداند، یا شیخ را از نزدیک ملاقات کند، در حالی که سال‌هاست با هم در یک شهر زندگی می‌کنند!

بعد از این جریان، در بعد از ظهر یکی از روزها در منزلم با حضور شیخ آلبنانی نشستی علمی ترتیب دادم و جمعی از طلاب و آن شخص مخالف را دعوت نمودم. البته شیخ را از جریان خبر نکردم. آن شخص که خود را در جمعی غیر خودی احساس می‌کرد با شیخ آلبنانی وارد مناقشه گردید و با صدای بلند آغاز به مجادله کرد تا جایی که من عصبانی شدم، چون شیخ متوجه حالت من شد تبسمی نمود و خطاب به من گفت چیزی نیست،

عصبانی نشو. شیخ با تبسم و کمال سعه‌ی صدر و با استدلال از کتاب و سنت گفته‌های او را جواب می‌داد و این عادت همیشگی شیخ بود^۱...

شیخ گفت: آیا قبلاً مرا ملاقات نموده‌ای؟ او در جواب گفت: خیر، شیخ به یکی از برادران که از سوریه و از دعوتگران به منهج سلف صالح بود، و در این روزها مهمان شیخ در عمان بود اشاره کردند و گفتند: من تغییر نکرده‌ام و این برادر بیش از بیست سال است که در امر دعوت مرا همراهی کرده است و مرا خوب می‌شناسد که اخلاقم همواره همین بوده است اما به هر حال خدا شما را جزای خیر دهد. از شما می‌خواهم در حقم مسامحه کنید، اگر در حق شما یا هر کدام از مسلمین از من اشتباهی سر زده است از خداوند متعال می‌خواهم مرا مغفرت نماید، سپس شیخ آلبانی گریه نمودند. در اثر اخلاق حسنه و گریه‌ی شیخ آن شخص در حالیکه گریه می‌کرد شیخ را بوسید. پس از این جریان همواره این شخص را می‌دیدم که در صف ارادتمندان شیخ و پیروان منهج سلف صالح در آمدند.

تحلیل:

هزار نکته‌ی باریک‌تر ز مو اینجاست، تواضع و حسن خلق از جمله مقوله‌هایی هستند که همواره زینت بخش رجال و شخصیت‌های صاحب قلم و فکر بوده است، زیرا از این رهگذر است که آنان می‌توانند در جهت تبیین هرچه بهتر نظرات، اعتقادات، افکار، اندیشه‌ها، گفته‌ها و نوشته‌های خود و

۱- اما اینکه بعضی می‌گویند -شیخ رحمته - دارای حدت، شدت و تندمی بوده، در مجموع چنین نیست بلکه شدت و تندمی که در برخورد ایشان مشاهده می‌شد، به موقع و به جا هنگام غیرت بر سنت و دفاع از آن با اهل عناد و مکابره از ایشان بروز می‌کرد.

انعکاس آن در آئینه موافقان و مخالفان ایفای نقش کنند، زیرا یک فرد اصولگرا، متدین و پایبند به شعایر اصیل اسلامی باید تلاش نماید تا داروی تمامی مشکلات و دردها را از داروخانه‌ی غنی اسلام تهیه کند و از متن کتابها و نظریات شخصیت‌های درجه‌ی اول اسلام بیرون آورد و در مسیر تنویر و تعالی افکار و اعتقادات مسلمانان همگام با کتاب و سنت صحیح حرکت کند. و این حرکت جز با مَرکب تواضع و اخلاق زیبا میسر نمی‌شود:

﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ...﴾ [آل‌عمران: ۱۵۹].

دعوت در راه خدا و انقلاب فکری

حدیث و گفتار زیبای رسول الله ﷺ برای راهنمایی و ارشاد شیخ آلبانی عامل مؤثر علمی و عملی بود و در این راستا برای عمل به دین و روشنگری دیگران و دریدن ماسک بدعات و خرافات تنها به گفته‌ی خدا و رسول خدا مطابق با فهم ائمه بزرگوار از سلف صالح اکتفا می‌کرد. مسایل را به دقت مورد توجه قرار می‌داد و قلب را از تعصب و پیش داوری و کینه پاکسازی می‌کرد و امور شرعی را بدور از تعلقات و وابستگی‌های خاص بررسی می‌کرد و منصفانه و از روی دلیل به قضاوت می‌نشست و هیچگاه پیرو و مقلد بی‌چون و چرای هیچیک از شخصیت‌های بزرگ دینی در نیامد بلکه ملاکش حقانیت دیدگاه ائمه و رجحان دلایل آنان بود، اکنون باید چنین چشمه‌ی فیاضی بجوشد و دیگران را نیز سیراب کند. جوشش یعنی دعوت، و این داعی بزرگ نامش محمد ناصرالدین بود. نامی به حق و روا.

شیخ ناصر دردمند است، درد اسلام، درد جامعه‌ی انسانی و...، او حسرت دین‌گریزی مسلمانان و دین‌ستیزی دشمنان اسلام را می‌خورد و به فکر زدودن خرافات و بدعات از چهره‌ی ناب اسلام است...، این فرزند

اسلام جز حقیقت به دنبال چیز دیگری نیست، لذا با همه از جمله پدرش که خود یک عالم است و از همه به او نزدیک‌تر و محبوب‌تر است بخاطر بیان حق با او نیز به بحث می‌نشیند و پدرش «رحمه الله وغفر له» در بسیاری از مسایل با او معارضه می‌کند، اما شیخ می‌گوید: «لا يجوز لمسلم أن يترك العمل بحديث رسول الله بعد أن ثبت عنه وعمل به بعض الأئمة لقول أحد من الناس، كائناً من كان»^۱.

شیخ آلبنانی می‌گوید: منهج امام بزرگواری چون ابوحنیفه و ائمه دیگر رحمهم الله نیز همین بوده است و از این رهگذر، شیخ دعوت به کتاب و سنت صحیح را آغاز می‌کند و راه و روش سلف صالح را انتخاب می‌کند، پرچم یگانه‌پرستی را به دوش می‌گیرد و با خرافات و بدعات به مبارزه بر می‌خیزد و با پیروان آنان به مباحثه می‌پردازد و با برگزار کردن جلسه‌های علمی در مساجد و منازل به دو اصل گرانسنگ قرآن و سنت صحیح به راه و روش سلف صالح دعوت می‌دهد. استاد محمد المجدوب از شیخ آلبنانی نقل قول می‌کند که ایشان فرمودند: من در آغاز با دوستان و آشنایان ارتباط برقرار کردم و مغازه‌ام - که محل کار ایشان بود - تبدیل به محلی برای مشوره و اجتماع شد. سپس به منزل یکی از انصار باز به منزل بزرگ‌تری از دوستان رفتیم و بعد از مدتی برای برگزاری مجالس منزلی را اجاره کردیم، روز بروز تعداد شرکت کنندگان بیشتر می‌شد که به کمبود جا مواجه می‌شدیم و دامنه‌ی فعالیت روز به روز گسترش پیدا می‌کرد.

۱- ترجمه: «هیچ مسلمانی اجازه ندارد بخاطر حرف مردم، حالا هر کسی که باشد، به حدیث پیامبر عمل نکند، بعد از اینکه حدیث صحیح باشد و بعضی از پیشوایان دین به آن عمل نموده‌اند».

در نتیجه‌ی فعالیت و کار دعوت، بسیاری از ائمه مساجد، مشایخ، مبتدعین و خرافی‌ها با شیخ به مناقشه و معارضه برخاستند بویژه اقوام و نزدیکان شیخ که مردم عوام را علیه ایشان برمی‌انگیختند و غوغا و غائله می‌آفریدند و در بوق و کرنا می‌دمیدند و می‌گفتند او وهابی^۱ و گمراه است و

۱- این کلمه برنده‌ترین حربه و سلاحی است که همیشه اهل بدعت برای سرکوب نمودن موحدین و مخالفان خود، از آن استفاده نموده و آنان را بدان نسبت می‌دهند. نظر خوانندگان را به خلاصه‌ای از دعوت وهابیت معطوف می‌دارم. عباس محمود عَقَّاد در کتاب «اسلام در قرن بیستم» با ترجمه‌ی حمید رضا آژیر، در بخش دعوت وهابیت، می‌نویسد: نخستین این دعوت‌ها از حیث تاریخ پیدایش، دعوت محمد بن عبدالوهاب است که در اوایل قرن دوازدهم هجری در «عُیینه» یکی از شهرهای نجد واقع در جزیره‌ی العرب دیده به جهان گشود. در ادامه به نقل از «مولا محمد آلوسی» می‌نویسد: شیخ محمد در شهر عیینه از شهرهای نجد تحت نظر پدر خود شیخ عبدالوهاب بن سلیمان قاضی این شهر... بزرگ شد ... شیخ محمد بن عبدالوهاب فقه مذهب امام احمد بن حنبل را نزد پدر خود فراگرفت و در کودکی کتب تفسیر و حدیث و عقاید را بسیار مطالعه می‌کرد ... شیخ کتب بسیاری تصنیف کرده است که از آن جمله است «التوحید و تفسیر القرآن و کشف الشبهات و رسایل و فتاوی فقهی و اصولی دیگر...» در میان این کتاب‌ها، کتابی که در بردارنده‌ی اصول دعوت شیخ است همان کتاب «التوحید ... حق المولی علی العبید» است که شیخ در این کتاب گناهانی را که شخص را به کفر می‌کشاند و شرک تلقی می‌شود بر می‌شمرد، شیخ بیشتر این گناهان را در محدوده‌ی بدعت‌گذاری‌ها و خرافات و زیاده روی در بزرگداشت رهبران دینی می‌داند. بنابراین اعتقاد شیخ (محمد بن عبدالوهاب) استفاده از انگشتر و نخ به قصد دفع بلا و استفاده از طلسم و افسون برای حفظ خویشتن و تبرک جستن به درخت و سنگ و سربریدن حیوانات با نامی جز نام خداوند و پناه بردن و دادخواستن از غیر خدا شرک است و این که زیاده روی در زیارت مزار صالحان، این قبور را به بتانی درمی‌آورد که در برابر خدا پرستش می‌شوند، او جادوگری، پیشگویی، فال بینی و طالع بینی را از اعمال شیطانی می‌داند.... وی

تاویلات و سنت شکنی‌های متصوفه را رد می‌کند. از زندگی شیخ محمد بن عبدالوهاب چنین به نظر می‌رسد که وی در انجام رسالت خود سختی‌های بسیاری را تحمل کرده است ولی شیخ با جدیت تمام و نادیده گرفتن این سختی‌ها در مسیر خود ادامه می‌داد ... و این چنین است که مصلحان، حق دارند تا مردم را از این گونه جهالت‌ها دور کنند و وهابیت نیز توانست مردم را از گونه‌های مختلف بدعتگذاری و خرافات دور کند.

حمید رضا آژیر مترجم کتاب مذکور در صفحه ۹۸، پاورقی در نقد دعوت وهابیت و شخص محمد بن عبدالوهاب ذکر می‌کند که ما آن را نیز ذکر می‌کنیم تا خواننده‌ی محترم بین دو نظریه‌ی کاملاً متضاد مؤلف کتاب و مترجم شیعی مذهب آن قضاوت کند. حمید رضا آژیر می‌نویسد: محمد بن عبدالوهاب یک عنصر کج اندیش و کینه‌توز بود که سخنان منکر و یاوه می‌گفت و بی‌محابا مسلمانان را تکفیر می‌کرد و مشرک می‌خواند و بر سنت‌های اصیل اسلامی تجدد گرایانه می‌تاخت. وی در ابتدا از سوی پدر، برادر و دیگر مسلمانان زادگاهش طرد شد ولی استعمار کهن، یعنی انگلستان شکار سیاسی مناسبی برای خود یافت ... اینان به بهانه‌ی دعوت به توحید به جنگ اهل توحید آمدند و با حربی مبارزه با شرک دامنه‌ی شرک جلی و خفی را در مهد اسلام و در مرکز وحی گسترش دادند ...

استاد احمد امین از نویسندگان معروف جهان اسلام در کتاب «زعماء الاسلام فی العصر الحدیث» می‌نویسد: محمد بن عبدالوهاب (۱۱۱۵-۱۲۰۶ هـ) رهبر گروهی است که وهابیون نامیده می‌شوند و بنیانگذار آئین و مسلک وهابیت و حکومت فعلی حجاز پیرو این مذهب است ... مهم‌ترین مسئله که به هنگام تحصیل و گردش و سیر و سفر در ممالک اسلامی، ذهن وی را به خود مشغول ساخت، مسئله (توحید) بود که شالوده و ستون فقرات اسلام به شمار می‌رود و در کلمه‌ی توحید «لا إله إلا الله» تبلور یافته و اسلام بواسطه‌ی آن از سایر ادیان متمایز می‌گردد و محمد ﷺ با صادق‌ترین و راست‌ترین و گرم‌ترین دعوت مردم را به سوی آن فراخواند. بنابراین در آئین توحیدی نه بتها و اصنام و نه پرستش نیاکان و اجداد و نه مراجع و رؤسای دین و اینگونه چیزها... هیچکدام وجود ندارند و قابل قبول نیستند. بخاطر همین عقیده او و پیروانش خود را «موحدین» -یکتاپرستان- نامیدند، و کلمه‌ی «وهابیت» نامی

مردم را از او برحذر می‌داشتند. در کنار این مخالفت‌ها بسیاری از علمای معروف و سرشناس در دمشق با دعوت شیخ موافق بودند و ایشان را تشویق به ادامه دعوت و استقامت به آن می‌نمودند. امثال علامه بهجة البيطار، شیخ عبدالفتاح الامام، شیخ حامد الفقی، شیخ توفیق البرزه و علمای دیگر.

اما شیخ محمد ناصر الدین آلبانی بیدی نبود که با چنین بادهایی بلرزد و هرگز مخالفت مخالفان را مانع کار خویش نمی‌دید، بلکه روز به روز تمسکش بر منهج حق استوارتر می‌شد. زیرا شیخ از کسانی نبود که در موقعیت‌های مختلف اجتماعی، ایدئولوژی و جهان بینی خود را متناسب و منطبق با شرایط و مقتضیات زمان پیش ببرد. زیرا او در پرتو کتاب و سنت آموخته بود که نباید در مقابل باطل راه سکوت و تسلیم را در پیش گرفت، سرمشق او رأس السلف شخص رسول الله بود. اسلاف او ائمه‌ی بزرگواری چون امام ابوحنیفه، امام احمد بن حنبل... بوده‌اند که خلوت زندان را بر جلوت بیرون ترجیح دادند، آزادانه زیستند و با افتخار دارفانی را وداع گفتند. او وصیت لقمان علیه السلام را برای فرزندش سرمشق قرار داده بود.

﴿يُبَيِّنُ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ [لقمان: ۱۳].

و

﴿يُبَيِّنُ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ [لقمان: ۱۷].

شیخ مرتب مشغول به کار دعوت بود، دعوت به تمسک جستن به کتاب الله و سنت صحیح پیامبر و برای این منظور به شهرهای دیگری همچون لاذقیه، حمص، حماه و حلب مسافرت می‌کرد و از طرفی دعوت شیخ تنها

است که دشمنان و مخالفان آنان برآنان اطلاق نموده‌اند و اروپائیان نیز همین نام را به کار برده و سپس بتدریج بر سر زبان‌ها جاری گردیده و رواج یافته است.

در داخل کشور سوریه محدود نمی‌شد بلکه به کشورهای همجوار و همسایه مانند عمان [پایتخت اردن] و لبنان مسافرت می‌کرد و علوم سنت را برای مشتاقان و طلاب علم و عموم مردم تدریس می‌کرد.

در یک جمله می‌توان گفت: شیخ محمد ناصرالدین آلبنی تمامی زندگی، وجود، نبوغ، زبان و قلم خود را وقف اسلام و احیای کتاب و سنت صحیح کرد. او همه چیز خود را در این مسیر نهاد، همّ و غم او پیراستن دین از زواید و آراستن آن به اصالت‌ها و به تصویر درآوردن اسلام راستین و پویا و تحقق بخشیدن عقیده‌ی سلف صالح در میان امت اسلامی بود. ناصرالدین آلبنی اگر چه اولین فرد در این راه نبود ولی بدون شک یکی از بهترین‌ها بود. او عمر خود را وقف یک چیز گرانبها نمود. دعوت به کتاب و سنت صحیح براساس فهم سلف صالح. او از حدیث رسول الله ﷺ می‌گفت و می‌شنید و می‌نوشت. او مسلمانان را عموماً و علما را خصوصاً دعوت به عمق اندیشی و اصالت‌گرایی دعوت می‌کرد و می‌خواست دین را از روزنه‌ی دین بنگرند نه آنچه از پدران و مادران دیده و یا شنیده‌اند، زیرا عقیده و عمل اسلامی چیزی نیست که بتوان آن را به ارث برد، بلکه باید آن را از اصلش آموخت و باورش نمود...

برگزاری مجالس علمی

شیخ برنامه‌های هفتگی برگزار می‌کرد. طلاب علوم شرعی و اساتید دانشگاه‌ها در آن شرکت می‌کردند و کتب زیرا تدریس می‌نمود.

شماره	اسم کتاب	مؤلف
۱	الروضة الندية	صدیق حسن خان
۲	منهاج الإسلام فی الحکم	محمد اسد

عبدالوهاب خلاق	اصول الفقه	۳
اسد رستم	مصطلح التاريخ	۴
سید سابق	فقه السنة	۵
یوسف قرضاوی	الحلال والحرام	۶
حافظ المنذری	الترغیب والترهیب	۷
عبدالرحمن بن حسن	فتح المجید شرح کتاب التوحید	۸
علوم الحدیث احمد شاکر	الباعث الحثیث شرح إختصار	۹
نووی	ریاض الصالحین	۱۰
ابن دقیق العید	الإمام فی أحادیث الأحکام	۱۱
امام بخاری	الأدب المفرد	۱۲

شیخ برای خواهران نیز کلاس‌هایی دایر می‌کرد. یکی از شاگردان ایشان می‌گوید: «شیخ هر بحثی را که آغاز می‌نمود بصورت خیلی علمی و دقیق آن را دنبال می‌کرد، هیچ مسئله‌ای را هر چند که مشکل و پیچیده بود، بدون حل نمی‌گذاشت».

ارتباط با اهل علم

شیخ از نزدیک، با اهل علم ارتباط برقرار می‌کرد، گاه افاده می‌داد و گاه استفاده می‌کرد. از جمله شخصیت‌های علمی که آنها را ملاقات نموده‌اند، شیخ حامد الفقی رحمته الله مؤسس «جماعة أنصار المحمدية» در مصر، علامه و محقق معروف احمد شاکر که با وی بحث‌های علمی و مفیدی نیز داشته‌اند. شیخ عبدالرزاق حمزه رحمته الله نویسنده‌ی معروف و علامه‌ی مجاهد دکتر تقی الدین الهلالی مشهور به ناصر السنة وقامع البدعة می‌باشند. در ملاقاتی که شیخ آلبانی با محدث و مورخ مشهور حلب، علامه محمد راغب الطباخ

داشتند، ایشان از فعالیت شیخ ناصر و دعوتش به کتاب و سنت تقدیر و تحسین به عمل آوردند و با توجه به شناختی که شیخ راغب الطباخ از محمد ناصرالدین آل‌بانی در زمینه‌ی علوم الحدیث و تفوق ایشان در این رشته داشتند برای بزرگداشت و اعتراف به فضل و بزرگی شیخ ناصر الدین اجازه روایت احادیث و مرویات خویش را به او دادند و کتاب خود «الأنوار الجليلة في مختصر إثبات الحلیبة» که به اجازه نامه‌های مشایخش مهر شده بود به شیخ ناصرالدین آل‌بانی تقدیم کردند.^۱

ارتباط شیخ ناصر با علامه عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، «رئیس ادارات البحوث العلمية والدعوة والافتاء» در عربستان سعودی، ارتباطی بسیار نزدیک و تنگاتنگ بود و نشستهای علمی و مراسلات مفیدی با یکدیگر داشتند. علامه ابن باز در مورد شخصیت علمی و مهارت حدیثی شیخ ناصر اظهار داشتند: «ما رأیت تحت أديم السماء عالماً بالحدیث في العصر الحدیث مثل العلامة ناصرالدین الألبانی». «در عصر حاضر فردی را دانایتر به حدیث رسول الله از شیخ ناصرالدین آل‌بانی سراغ ندارم».

شیخ آل‌بانی با نویسنده‌ی ادیب و صاحب قلم بنام و گرداننده‌ی مجله‌ی «الفتح» و «الحدیقة» و نویسنده در مجله‌ی «الأزهر» از بدو تأسیس آن و صاحب «المکتبة السلفية» به فسطاط در قاهره، علامه محب الدین الخطیب نیز ملاقات داشتند. محب الدین الخطیب مقدمه‌ای زیبا و بسیار در سطح عالی بر کتاب آداب الزفاف شیخ آل‌بانی نوشته‌اند که به مطالعه‌اش می‌ارزد. شیخ، با محدث هندی علامه حبیب الرحمن الاعظمی الحنفی نیز

۱- مختصر کتاب الألبانی (جهاده و حیاتة العلمية) وثناء العلماء علیه ص ۱۸. مع شیخنا

ناصر السنة والدين محمد ناصر الالباني ص ۶.

ملاقات نمودند و در زیارتی که شیخ حبیب الرحمن در سال ۱۳۹۸ هـ. از دمشق داشتند، شیخ ناصر ایشان را به منزل خود دعوت کردند.

شیخ آلبانی دکتر مصطفی الأعظمی صاحب تصنیفات و تحقیقات برجسته علمی و حدیثی را ملاقات نمودند دکتر مصطفی الاعظمی از شیخ ناصر درخواست کردند تا قسمت‌هایی از کتاب صحیح ابن خزیمه را که تحقیق کرده‌اند، بازنگری نموده و در صورت نیاز مطالبی به آن اضافه کنند که شیخ ناصر این کار را انجام دادند و دکتر اعظمی در مقدمه‌ی کتاب به این مطالب اشاره نموده‌اند و تعلیقات شیخ آلبانی را با «ناصر» یا بارمز «ن» مشخص کرده‌اند، و این نمایانگر تواضع دکتر اعظمی است که علی‌رغم اینکه دکتر اعظمی، در بین علما از رفعت شأن و علو و منزلت خاصی برخوردار بودند از افاده‌ی صاحبان علم و استفاده از آنان هیچوقت کوتاهی ننمودند.

همچنین ایشان با شیخ عبدالصمد شرف الدین، نویسنده و محقق معروف از هند، ملاقات داشتند. شیخ آلبانی با افراد زیادی ملاقات داشته و در کنار این ملاقات‌ها نشست‌های علمی برگزار کرده و با هم بحث‌های تحقیقی مطرح می‌کردند، آنچه اینجا ذکر می‌شود، به عنوان مثال می‌باشد نه به عنوان حصر.

دکتر صبحی صالح، دکتر ربیع بن هادی، شیخ حماد الانصاری از دانشگاه اسلامی مدینه منوره، دکتر محمد سلیمان الاشقر عضو کمیسیون فتوی در وزارت اوقاف کویت، شیخ عبدالرحمن عبدالخالق و دکتر عمر سلیمان الاشقر استاد دانشکده‌ی شریعت در دانشگاه کویت که ایشان در مورد شیخ ناصرالدین در کتاب خود «تاریخ الفقه الاسلامی» صفحه ۱۲۷ می‌نویسد. «بأنه محدث العصر محمد ناصرالدین الالبانی». «همانا محمد ناصر الدین آلبانی

محدث عصر حاضر...». شیخ محمد ناصر الدین با فقیه معروف دکتر یوسف قرضاوی نیز ملاقات نموده و نشست‌های علمی و مفیدی با وی داشته‌اند، ایشان در استفسار از احادیثی که متناوُلُ الیدُ (دسترس) نبوده‌اند به شیخ آلبنانی مراجعه می‌کردند. شیخ قرضاوی در یکی از کنفرانس‌های اسلامی که در کویت برگزار گردید، چنین گفت: «وقد رجعت فی تصحیح هذا الحدیث إلی الشیخ ناصرالدین الالبانی»^۱. «در مورد تصحیح این حدیث به شیخ ناصرالدین آلبنانی مراجعه کرده‌ام». شیخ و دعوت‌گر مصری امام حسن البنا رحمته برای شیخ آلبنانی نامه‌ای فرستادند و ایشان را تشویق و ترغیب به استمرار و ادامه‌ی منهج علمی و سازنده ایشان نمودند، این زمانی بود که شیخ ناصر الدین قسمتی از تعلیقات خود را بر مقالات شیخ سید سابق در فقه السنة در مجله‌ی «المسلمون» انتشار دادند که مقالات شیخ سید سابق هم در مجله‌ی «المسلمون» منتشر می‌شد که بعد به صورت کتابی به نام «فقه السنة» با مقدمه‌ی حسن البنا منتشر شد. شیخ آلبنانی می‌گفت: متأسفانه نامه شیخ حسن البنا را گم کردم^۲.

بسیاری از علما برای شیخ نامه می‌فرستادند و اظهار محبت و ملاقات می‌نمودند، بویژه علمای هند و پاکستان، از آن جمله عبید الله الرحمانی، شیخ «الجامعة السلفية» در بنارس هند، شیخ ناصر برای بسیاری از طلبه‌ی علم که پایان نامه‌های لیسانس و دکترای خود را می‌نوشتند حکم مرجع را داشت، با ایشان ملاقات می‌کردند و در علوم حدیث از وی استفاده می‌کردند.

۱- مختصر کتاب الالبانی ص ۲۰.

۲- مرجع سابق.

دکتر محمد امین مصری رحمته رئیس سابق قسم دراسات عالی رشته‌ی حدیث در دانشگاه اسلامی مدینه‌ی منوره و پیش از آن استاد رشته‌ی حدیث در دانشگاه سوریه همواره برای شیخ آلبنانی محبت و احترام خاصی قائل بوده و می‌فرمودند: شیخ آلبنانی بمراتب برای تدریس و استادی کرسی حدیث از ایشان سزاوارتر هستند و خود را یکی از شاگردان شیخ آلبنانی به حساب می‌آوردند.

دکتر صبحی صالح رحمته استاد سابق حدیث و علوم عربی در دانشگاه دمشق و پس از آن استاد حدیث در دانشگاه لبنان و همچنین دکتر احمد عسّال رئیس قسم الثقافة والدراسات الاسلامیة در دانشگاه ریاض در مورد شخصیت علمی شیخ آلبنانی در اظهارات خود همواره ایشان را برتر از خود می‌دانستند.

شیخ محمد طیب اُوکیچ بوسنیایی، استاد تفسیر، حدیث و فقه در دانشکده‌ی الهیات دانشگاه آنکارا و معهد اسلامی عالی در شهر قونیه، برای شیخ آلبنانی نامه می‌فرستادند و طرح سؤال می‌کردند. در یکی از نامه‌ها درخواست داشتند تا شیخ آلبنانی کلیه‌ی تألیفات خود را برای ایشان ارسال دارند. همچنین دکتر یونس وهبی یاغوز، مدرس فقه دانشکده‌ی الهیات دانشگاه. دکتر یونس کسی هستند که کتاب «صفة صلاة النبي» -تألیف شیخ آلبنانی- را به زبان ترکی ترجمه و در تیراژ بسیار بالایی منتشر کردند^۱.

شیخ محمد الغزالی در کتاب خود فقه السیرة چاپ چهارم سال ۱۳۸۴ هـ از شیخ آلبنانی چنین می‌نویسد:

۱- خوشبختانه کتاب «صفة صلاة النبي» تألیف شیخ آلبنانی توسط یکی از دعوتگران به کتاب و سنت به فارسی ترجمه شده که بزودی چاپ خواهد شد.

«سرفی آن تخرج هذه الطبعة الجديدة بعد أن راجعها الاستاذ المحدث العلامة الشيخ محمد ناصر الدين الألباني، وقد أثبت فيها كل التعليقات التي أرتها على ما نقلت في هذه السيرة من آثار نبوية، وأرجو أن أكون معيناً على إبراز الحقيقة العلمية وضبط الوقائع التاريخية بإثبات هذا النقد، وشكره لمن تطوع به... وللرجل من رسوخ قدمه في السنة ما يعطيه هذا الحق... فإني عظيم الحفاوة بهذا الاستثمار العلمي، وهو يمثل وجهة نظر محترمة في تمحيص القضايا الدينية... وشكر الله له جهده في المحافظة على تراث النبوة، وهدانا جميعاً إلى سواء السبيل».

و شیخ غزالی با اشتیاق فراوان تخریج شیخ آل‌بانی را بر احادیث کتاب فقه السیره استقبال کردند.

دکتر عبدالکریم زیدان استاد دانشگاه بغداد در کتاب خود «مجموعه بحوث فقهیه» ص ۲۹۱ در گفتاری بر حدیث «اختلاف أمتی رحمة» می‌نویسد: «وقال محدث العصر الأستاذ محمد ناصر الدين الالباني: لا أصل له». محدث عصر حاضر استاد محمد ناصر الدين آل‌بانی گفته‌اند، حدیث «اختلاف أمتی رحمة»^۱. اصل و ثبوتی ندارد. کثرت تألیفات و اشتهار

۱- شیخ ناصر الدين الالباني در کتاب خود «صفة صلاة النبي» صفحه ۳۴ می‌نویسد: روایت «اختلاف أمتی رحمة» صحیح نیست بلکه از اقوال باطل و بدون اصل است و می‌نویسد: علامه السبکی گفته من هیچ سندی چه صحیح، چه ضعیف و چه موضوع برای این حدیث نیافته‌ام. شیخ الالبانی می‌گوید: این حدیث با الفاظی دیگر نیز روایت شده «...اختلاف أصحابي لكم رحمة» و «أصحابي كالنجوم، فبايهم اقتديتم اهتديهم» و این دو روایت صحیح نیستند. روایت اولی -واهِ جَدًّا- و روایت دوم -موضوع- و

شخصیت علمی ایشان سبب شد تا به عنوان بزرگ‌ترین مرجع در فن حدیث در عصر حاضر مطرح گردند.

دانشمندان، اساتید، طلاب و شخصیت‌های برجسته‌ی علمی از گوشه و کنار جهان جهت استفاده به ایشان مراجعه می‌کردند. محمد بن ابراهیم الشیبانی در کتابی که در مورد بیوگرافی شیخ آلبنی تألیف کرده‌اند، می‌نویسد: تابستان سال ۱۳۷۹ هـ. که من شیخ آلبنی را زیارت کردم، مشاهده نمودم که چگونه اساتید دانشگاه‌ها در رشته‌های مختلف فقه، حدیث و عقاید مسایل پیچیده و غامضی را مطرح می‌کردند که شیخ آلبنی با تسلط کامل به هر سؤال به صورت علمی و با ذکر مرجع و صفحه پاسخ می‌دادند و بعضی از اوقات از کتاب‌هایی اسم می‌برد که حضار با آن آشنایی نداشتند، زیرا شیخ آلبنی با نسخه‌های خطی کتابخانه ظاهریه دمشق بالخصوص در رشته حدیث آگاهی، شناخت و اطلاع کامل داشت.

حواله می‌دهد به کتاب خودش «سلسلة الأحادیث الضعیفة والموضوعة» (رقم ۵۸، ۵۹، ۶۱) وانگهی این حدیث در عین ضعیف بودنش مخالف با قرآن نیز هست، آیات قرآن بر وحدت و اتحاد دلالت دارند: ﴿وَلَا تَنزَعُوا فِتْنَةً لِّسُلُوفٍ وَتَذَهَبَ رِيحُكُمْ﴾ [الأنفال: ۱۴۶]. و آیه دیگر: ﴿مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا﴾ [الروم: ۳۲]. و بحواله‌ی علامه ابن حزم در کتاب «الأحكام في أصول الأحكام» (۵/ ۶۴) نقل می‌کند بعد از اینکه ابن حزم بیان می‌کند که این مطلب «اختلاف اُمّتی رحمة» حدیث پیامبر نیست، «وهذا من أفسد قول يكون، لأنه لو كان الاختلاف رحمة، لكان الاتفاق سخطا، وهذا ما لا يقوله مسلم». «این گفتاری است فاسد، زیرا اگر اختلاف رحمت خدا باشد پس اتفاق غضب خدا است و هیچ مسلمانی چنین نمی‌گوید.....».

شیخ آلبنی بحث مفصلی در سلسلة الضعیفة رقم ۵۷ بر حدیث «اختلاف اُمّتی رحمة» نموده، فلیراجعها من شاء.

شیخ ناصر تألیفات گسترده و ارزشمندی در رشته‌های مختلف نگارش کردند که در ممالک اسلامی به کثرت انتشار یافتند و بسیاری از این کتاب‌ها به زبان‌های زنده‌ی دنیا ترجمه شده‌اند. متولیان بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز علمی از شیخ تقاضا داشتند تا قیمومت و سرپرستی آنها را بعهده گیرد و بر کارهای علمی آنان اشراف داشته باشد. متولیان دانشکده‌ی شریعت دمشق از شیخ تقاضا داشتند تا احادیث بیوع (معاملات) «موسوعة الفقه الاسلامي» «دانشنامه فقه اسلامی» را که دانشگاه تصمیم داشت آن را انتشار دهد تخریج کند سال (۱۹۵۵). شیخ آل‌بانی در «لجنة الحديث» که مصر و سوریه برای اشراف بر نشر و تحقیق کتاب‌های حدیث تشکیل داده بودند عضویت داشت. فضیله الشیخ علامه محمد بن ابراهیم رحمته الله مفتی سابق عربستان سعودی از شیخ درخواست کردند تا تدریس و استادی کرسی حدیث در دانشگاه «الجامعة الاسلامیة» مدینه منوره را بعهده گیرند که شیخ مدت سه سال از ۱۳۸۱ هـ. تا سال ۱۳۸۳ هـ. در این دانشگاه بزرگ اسلامی استاد رشته‌ی حدیث، علوم الحدیث و فقه الحدیث بودند و از طرف ریاست دانشگاه به عنوان عضو مجلس دانشگاه انتخاب شدند.

جامعة السلفیه در بنارس - هند- از ایشان درخواست کردند تا ریاست اساتید حدیث را به عهده گیرند که شیخ از پذیرفتن آن معذرت خواهی کردند.

وزیر معارف عربستان سعودی شیخ حسن عبدالله آل الشیخ رحمته الله در سال ۱۳۸۸ هـ از شیخ آل‌بانی درخواست نمودند تا بر بخش دراسات عالی رشته‌ی حدیث در دانشگاه مکه مکرمه اشراف داشته باشند که امکان عملی آن میسر نشد. سلطان خالد بن عبد العزیز - پادشاه عربستان - از شیخ تقاضا

کردند تا عضو مجلس اعلی در امور دانشگاه اسلامی مدینه منوره از سال ۱۳۹۵ تا سال ۱۳۹۸ باشند.

کادری کتابخانه‌ی ظاهریه، در دمشق برای اولین بار در تاریخ خود جهت مطالعه و تحقیق اتاقی را برای شیخ آلبانی اختصاص دادند. از طرف کنفرانسها و سمینارهایی که در کشورهای عربی و غربی برگزار می‌گردید از ایشان دعوت به عمل می‌آمد، شیخ ناصر دعوت کنفرانس «الاتحاد العالمي للطلبة المسلمین فی اسبانیة» «اتحادیه جهانی دانشجویان مسلمان در اسپانیا» را پذیرفت و آنجا سخنرانی ایراد کردند که بعد به صورت کتابی تحت عنوان «الحديث حجة بنفسه في العقائد والأحكام» چاپ گردید. از طرف «الإدارة العامة للإفتاء والدعوة والارشاد» در ریاض به عنوان دعوت‌گر به عقیده‌ی توحید و منهج اسلامی به کشورهای مصر و مغرب و انگلستان انتخاب شدند.

از قطر دیدار نمودند و با مشایخ و علما و در رأس آنان با شیخ یوسف قرضاوی، شیخ محمد الغزالی، شیخ احمد المحمود و شیخ ابن حجر بن الهامی ملاقات کردند و سخنرانی تحت عنوان «منزلة السنة في الاسلام» «جایگاه سنت در اسلام» ایراد نمودند، که بعداً چاپ گردید.

ایشان به بعضی از کشورهای اروپایی مسافرت نمودند و پناهندگان مسلمان و دانشجویان مسلمان را ملاقات نمودند و سخنرانی‌هایی در زمینه‌های مختلف ایراد کردند. در زمستان سال ۱۴۰۲ هـ. به کویت مسافرت کردند و سخنرانی‌های متعددی در حدود ۳۰ نوار برای جوانان مسلمان در موضوع علم، دعوت و عمل برای رفعت دین اسلام ایراد کردند.

شیخ ناصرالدین آلبانی در دانشگاه اسلامی مدینه منوره

به برکت تلاش پیگیری که شیخ ناصر در معرفی کتاب و سنت داشتند و توفیقات روزافزون خداوند متعال، تألیفات شیخ در رشته‌ی حدیث، فقه، عقاید و دیگر رشته‌های علوم اسلامی از جایگاه ویژه‌ای در میان علما و اهل علم برخوردار گردید. کم‌تر کتابخانه‌ای، چه شخصی و چه عمومی هست که اثری از آثار و تألیفات ایشان در آن نباشد و کم‌تر بحث علمی است که نظریات شیخ در آن مطرح نگردد، شهرت علمی ایشان، مسئولان و اساتید دانشگاه اسلامی مدینه منوره را بر آن داشت تا تدریس علوم حدیث را در دانشگاه به ایشان پیشنهاد نموده و واگذار کنند. مدت ۳ سال شیخ، استادی رشته‌ی حدیث را در دانشگاه به عهده گرفتند. شیخ در این مدت کوتاه نمونه‌ی بارز تلاش و اخلاص بودند خیلی ساده و بدور از تکلف با طلاب نشست و برخاست داشتند، در وقت زنگ تفریح با طلاب و در جمع آنان در فضای باز دانشگاه و روی شنهای می‌نشستند، رابطه‌ی شیخ با طلاب رابطه‌ی دوستانه و صمیمی بود، هنگام ایاب و ذهاب به دانشگاه، ماشین ایشان مملو از شاگردانش بود.

شخصیت علمی شیخ و آثار آن بر دانشگاه اسلامی مدینه

منوره

از آثار بارز و ابتکارات علمی شیخ در دانشگاه، برنامه ریزی و تدریس «علم الاسناد» در رشته‌ی حدیث بود. ایشان یک حدیث از صحیح مسلم را برای طلاب سال سوم و یک حدیث از سنن ابی‌داود را برای طلاب سال دوم انتخاب می‌نمودند و حدیث را با سند آن روی تخته می‌نوشتند و از

کتاب‌های علم رجال مانند «الخلاصة» و «التقریب» کار بررسی و نقد رجال سند را آغاز می‌کرد. ابتدا کیفیت تخریح حدیث و سپس چگونگی بررسی و نقد رجال سند را به صورت عملی به طلاب آموزش می‌داد. تدریس علم الاسناد برای اولین بار به ابتکار شیخ محمد ناصر الدین آلبنی در دانشگاه اسلامی مدینه منوره آغاز شد که در هیچکدام از دانشگاه‌های اسلامی در سطح جهان تدریس چنین چیزی سابقه نداشت، حتی در دانشگاه «الأزهر» با آن قدمت دیرینه اش، رشته‌ی تحصیلی علم الاسناد، تدریس نمی‌شد. تدریس این رشته توسط شیخ برای طلاب نتایج بسیار عالی در بر داشت، بعد از اینکه شیخ دانشگاه را ترک نمودند، نتایج این ماده‌ی درسی کاملاً آشکار بود. که پس از ایشان دکتر محمد امین مصری ریاست «قسم الحدیث» را در دانشگاه به عهده گرفتند و تدریس «مادة الاسناد یا علم الاسناد» را بر منهج و روش شیخ آلبنی ادامه دادند که در نتیجه‌ی تدریس این رشته توان علمی طلاب افزایش یافت و به کار تحقیق نسخه‌های خطی کتاب‌های حدیث پرداختند -رحمه الله رحمة واسعة- این ابتکار شیخ ناصرالدین در دانشگاه اسلامی مدینه منوره توجه اساتید حدیث را در سراسر جهان به خود جلب کرد و تدریس این رشته در همه دانشگاه‌های اسلامی جهان متداول شد و امروزه شاهد نتایج آن هستیم که بسیاری از کتب حدیث که قبلاً شناخته شده نبودند و فقط در فهرست کتابخانه‌های باستانی و ملی کشورها ثبت بودند، در حال حاضر با چاپ بسیار عالی و با تحقیقات و تخریجات دقیق و علمی در اختیار دوستداران دانش و علاقه‌مندان به احادیث رسول الله قرار دارند.

مشکلات از راه می‌رسند

در مسیر هجرت:

عقره‌های ساعت را نمی‌توان متوقف و گذشت زمان را نمی‌توان کند نمود. انسان‌های پرتلاش و انقلابی همچون عقره‌های ساعت و ایام زمان، همواره در حرکت هستند اما... با حرکتی متفاوت، آنان در معرض ابتلا و آزمایش هستند که سنتی از سنت‌های الهی است.

﴿الْم ۱﴾ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ﴿۲﴾
 [العنکبوت: ۱-۲]. «آیا مردمان گمان برده‌اند همین که بگویند ایمان آورده‌ایم به حال خود رها می‌شوند و ایشان آزمایش نمی‌گردند؟».

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ﴾ [ال عمران: ۱۴۲]. «آیا پنداشته‌اید که شما به بهشت در خواهید آمد، بدون آنکه خداوند کسانی از شما را مشخص سازد که به تلاش و پیکار بر خواسته‌اند، بدون آنکه خداوند بردبارانی را متمایز گرداند».

در بسیاری از امتحانات و آزمایش‌های الهی، فرد معاشرت دوستان و خویشاوندان را از دست می‌دهد، چه بسا اشک حسرت و امید از دیدگانش سرازیر می‌شود، راحت منزل و صفای خانواده و محیط مهرآمیز و دل انگیز همسر و فرزندان را از دست می‌دهد و از نظر روحی و جسمی در تنهایی بسر می‌برد و به انواع القاب و تهمت‌ها متهم می‌گردد و...

گه دهری و گه کافر و ملحد باشد گه دشمن خلق و فتنه پرور باشد
 باید بچشد عذاب تنهایی را مردی که زعصر خود فراتر باشد
 اما درسی که از این محنت‌ها حاصل می‌شود به مراتب با ارزشتر از همه
 این چیزهاست. مسلمانان در غزوه‌ی احد اشک و عرق می‌ریزند، جلوی

شمشیرها سینه سپر می‌کنند، بهترین جوانان اسلام سربریده می‌شوند، قلبشان پاره می‌شود، اما اگر با چشم حقیقت بنگریم، متوجه خواهیم شد که این دردها و مصیبت‌ها به هدر نرفته‌اند، بلکه در نتیجه‌ی ریخته شدن آن خونها درخت اسلام آبیاری شده و پیام عزت و آزادی را برای تمام نسل‌ها به ارمان آورده و شیخ ناصرالدین از جمله‌ی دریافت کنندگان آن پیام عزت و آزادی بوده تا در مسیر دعوت به کتاب الله و سنت صحیح رسول الله ﷺ مشکلات را یکی پس از دیگری به جان بخرد اما لحظه‌ای این هدف مقدس را رها نکند، پیش از این دوبار، زندانی شده بود و این بار عرصه بر او تنگ می‌شود، با خانواده‌ی خود در اول رمضان سال ۱۴۰۰ هـ.ق از دمشق به عمان هجرت می‌کند و در آنجا منزلی برای خود دست و پا می‌کند، تا اینکه در آنجا سکونت کند، بر اثر فشار کاری، سخت بیمار می‌شود، پس از بهبودی بنا بر اصرار برادران مسلمان، کلاسهای درس حدیث را در عَمَّان آغاز می‌کند.

در ۱۹ شوال سال ۱۴۰۱ هـ. به دمشق می‌رود. از مشکلات و شر قضا به خدا پناه می‌برد، دو شب در آنجا می‌ماند، شب سوم پس از مشوره و استخاره به بیروت سفر می‌کند، پس از مدتی که در بیروت می‌ماند باز ناچار به هجرت می‌شود. این دفعه به امارات می‌رود و با استقبال اهل دعوت به کتاب و سنت روبرو می‌شود. در امارات ایام بر وفق مراد پیش می‌رود، طلاب علم و اساتید علوم اسلامی از سعودی، بحرین، یمن و عراق به دیدن شیخ می‌آیند و از ایشان بهره‌ی علمی می‌گیرند. پس از مدتی به قطر می‌رود و در آنجا با دکتر یوسف قرضاوی و شیخ محمد الغزالی ملاقات می‌کند و در نهایت به اردن مراجعت می‌کند.

به مناسبت بحث از ابتلا و آزمایش‌های الهی این مطلب قابل ذکر است که شیخ در اواخر حیاتش به بیماری‌های سختی مبتلا شدند اما با وجود این

همه ناراحتی و مریضی از فضل و کرم الهی حافظه و ذهن ایشان صحیح و سالم بود و در ایام بیماری هرگاه احساس می‌کرد بهتر شده به مطالعه مشغول می‌شد. بدینگونه، شیخ بزرگوار ۶۰ سال از عمر مبارکش را در خدمت قرآن و سنت رسول الله سپری کرد، تا اینکه دعوت حق را لبیک گفت و از دار فانی به سرای ابدی شتافت. رحمه الله رحمةً واسعة.

اخلاق شیخ در بررسی مسایل علمی و تحقیقی

با وجود همه محاسن و فضایی که شیخ ناصرالدین به عنوان یک انسان ایده آل از آن برخوردار بود و با توجه به کثرت تتبع و تحقیقی که در بیان مسایل بخرج می‌داد و از توان علمی که برخوردار بود هیچگاه از نقد علمی علما و اهل تحقیق نسبت به تحقیقاتش واهمه‌ای نداشت زیرا معتقد بود انسان جایز الخطاست، هرگاه حقیقت را در گفتار علما مشاهده می‌نمود و قول خود را ضعیف می‌پنداشت، با کمال تواضع آن را می‌پذیرفت، شیخ جستجوگر راه سلف و آراسته به اخلاق آنان بود، نصب العین او همواره کلام خدا و احادیث رسول الله ﷺ بود. خود را مصداق عملی گفتار ائمه ای چون امام شافعی قرار می‌داد که فرموده‌اند: «إذا وجدتم في كتابي خلاف سنة رسول الله ﷺ فقولوا بسنة رسول الله ﷺ ودعوا ما قلت». وفي رواية: فاتبعوها ولا تلتفتوا إلى قول أحدٍ». «هرگاه در کتاب من مطلبی برخلاف سنت رسول الله ﷺ یافتید، سنت رسول الله را گرفته و گفته‌ی مرا ترک کنید». و در روایتی دیگر آمده که فرموده‌اند: «از سنت رسول الله پیروی نمائید و به سخن کسی دیگر توجه نکنید».

به عنوان نمونه شیخ آلبانی در مقدمه‌ی کتاب «صفة صلاة النبي» می‌نویسد: «از اهتمام «فضيلة الشيخ التويجيري» که بر این کتاب داشته و از خیر خواهی و تلاش ایشان برای بیان و کشف اشتباهاتی که در کتاب «صفة صلاة النبي» به نظر ایشان صورت گرفته، کمال سپاسگزاری را دارم، اما خاطر نشان می‌سازم که جز در چهار مورد در بقیه‌ی مواردی که به نظر ایشان به اشتباه رفته ام، نمی‌پذیرم و اعتراف می‌کنم که در چهار مورد حق با ایشان است و از گفته‌ی خودم منصرف و به گفته‌ی ایشان رجوع می‌کنم، و آن چهار مورد را ذکر می‌کنند...».

ملاحظه بفرمائید، مردان حق جو و حق طلب آنجا که حقیقت را در کلام دیگران مشاهده می‌کنند با کمال تواضع و با جان و دل پذیرا می‌شوند و... در کتاب‌های شیخ از این موارد بسیار دیده می‌شود که هرگاه در مسئله‌ای متوجه می‌شوند قولش بر اشتباه بوده رجوع می‌کند، از آن جمله در مقدمه کتاب «مختصر شمائل المحمديه» می‌نویسد: «هذا، وقد يجد القارئ المحترم في هذا المختصر شيئاً من الخطاء والتقصير، والسبب الأول - كما هو ظاهر - إن ذلك من طبيعة الانسان، الذي كتب عليه أن لا يكون معصوماً...».

همچنین در مقدمه‌ی «سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة» می‌نویسد: «علم چیزی است که جمود و تعصب را نمی‌پذیرد و همواره از خطا به صواب و از صحیح به اصح در حال رشد است و ما هیچگاه پس از اینکه به اشتباه خود پی می‌بریم بر آن اصرار نمی‌ورزیم...».

علما و محققین راستین همواره از چنین تواضعی برخوردار بوده‌اند.

دیدگاه صاحب کتاب: «موسوعه اطراف الحديث النبوی»

در مورد تألیفات شیخ آل‌بانی

ازم به ذکر است که کتاب «موسوعه اطراف الحديث النبوی الشریف» در ۱۱ جلد تألیف «ابوهاجر محمد السعید بن بسیونی زغلول» است. از جمله کتاب‌های معروفی است که در بیشتر کتابخانه‌ها موجود است این کتاب در عصر حاضر در ردیف شاهکارهای علمی جهان اسلام به حساب می‌آید. کتاب مذکور فهرستی است مشتمل بر یکصد و پنجاه کتاب در رشته‌ی حدیث، سیرت، فقه، علل و رجال، موضوعات و تفاسیر و در امر تخریج حدیث جزو برترین کتاب‌ها به شمار می‌رود. نویسنده‌ی این کتاب در فصل پانزدهم در ستون پنجم^۱ می‌نویسد: «خامساً: مؤلفات الشيخ محمد ناصر الدين الالباني اليوم - وبدون تكلف وفي موضعه المناسب - أرسل من مكاني هذا رسالة حب وتقدير، ودعوة خير وتوفيق إلى ذلك الرجل الذي لم يتقدر أن رأيته في حياتي - حتى اليوم - إلا مرة واحدة في القاهرة لكني رأيته كثيرا من خلال أعماله وجهوده التي أسأل الله تعالى أن يجزيه بها في الآخرة حتى تكون له نورا تبدد أمامه ظلمات الصراط وطريقاً - وإياي - إلى جنّات الرضوان وأن تبقى أعماله في الحديث نورا يهتدي به وعلماً ينفعه - حيث ينفع بعده المخلصين من عباد الله. لقد صارت مؤلفات الشيخ الألباني مراجع حديثة لدقة العمل العلمي فيها وكثرة المراجع التي يتناولها في تحقيقاته، حيث أفاد ضمها للموسوعة بتوسيع مجال المصنفات التي تحيل إليها الموسوعة - اعتباراً - ومن هنا كان اللازم - حيدةً وقسطاً -

إضافة هذه المدونات، مثل السلسلة الضعيفة والصحيحة، والمشكاة، والسنة، وآداب الزفاف، وارواء الغليل وغير ذلك».

شیخ آلبانی بر افرازانده‌ی پرچم تصفیه و تربیت

تمام حیات شیخ دعوت به احیای سنت صحیح و عملی نمودن آن در زندگی بوده است. می‌فرمودند: «وظیفه‌ی اهل علم این است که نسل جدید را در پرتو نور کتاب الله و سنت صحیح رسول الله پرورش دهند و اجازه ندهند مردم با مفاهیم موروثی و نادرست به زندگی خود ادامه دهند».

منظور از تصفیه

تصفیه و پاکسازی اسلام از خرافات و منکرات و بدعات

تصفیه و پاکسازی عقیده از عقاید باطل اهل کلام از فرقه‌های معطله، مؤوله و محرّفه و غیره در اسماء و صفات خداوند متعال.

تصفیه و پاکسازی سنت و کتاب‌های حدیث از احادیث ضعیف و موضوع و تمییز دادن آن از احادیث صحیح و ملاک حجت و دلیل قرار دادن احادیث صحیح نه ضعیف و موضوع.

تصفیه و پاکسازی کتاب‌های تفسیر از اسرائیلیات، احادیث منکر، ضعیف و اقوال باطل.

تصفیه و پاکسازی سیرت نبوی و تمییز روایات صحیح از ضعیف.

پس از تصفیه‌ی این امور، تبیین برنامه‌هایی که باید مسیر افراد این حرکت (منهج) باشند و آنگاه تربیت مسلمانان و فرزندان آنان بر این اسلام

مصفی، آن زمان است که بر اساس این تربیت جامعه‌ی اسلامی تصفیه و پاک خواهد شد و به دنبال آن حکومت اسلامی بر پا خواهد گشت.

مخالفان و مخالفت‌ها با شیخ آلبنی

مسئلاً اگر مسئولیت‌پذیری در جامعه به معنای جلب رضایت همه مردم باشد در تفسیر این مقوله به اشتباه رفته‌ایم و اگر به معنای قطع خصومتها و مخالفت‌ها باشد باز به اشتباه رفته‌ایم، زیرا جلب رضایت عامه‌ی مردم و بر آوردن تمام خواسته‌های آنان، امکان پذیر نمی‌باشد و قطعاً داشتن خصم و مخالف و وجود مخالفت‌ها و خصومت‌ها بر بطلان نظریات فرد دلالت نمی‌کند، زیرا اکثر مردم با پیام آوران وحی مخالف بوده‌اند. خداوند می‌فرماید:

﴿يَحْسِرَةٌ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ [یس: ۳۰]. «ای وای بر بندگان، نمی‌آید بدیشان هیچ فرستاده‌ای مگر با او تمسخر می‌کردند».

و از طرفی اگر پیرامون یک رهبر یا یک شخصیت، از کثرت افراد، هیاهو، تعارفات و تشریفات، بشین و پاشو، میمنه و میسره خبری نباشد آیا این می‌تواند دلیلی بر حقانیت یا بطلان نظریاتش باشد؟ آیا صحت گفتارها و کردارها مبتنی بر سیاهی لشکر است؟ آیا تنها بودن، تنها زیستن، تنها مردن و تنها حشر شدن ملاک تعالی و تنزل افکار، اندیش‌ها و گرایش‌هاست؟

جواب این پرسش‌ها در پرتو آیه‌ی پیشین و این گفته‌ی زیبای رسول الله ﷺ مشخص خواهد شد. پیامبر ﷺ فرمودند: «عُرِضَتْ عَلَى الْأُمَمِ فَرَأَيْتُ النَّبِيَّ وَمَعَهُ الرَّهْطُ وَالنَّبِيُّ وَمَعَهُ الرَّجُلُ وَالرَّجُلَيْنِ وَالنَّبِيُّ وَلَيْسَ مَعَهُ أَحَدٌ...».

«احوال و اوضاع امت‌ها بر من عرضه شد، پیامبری را دیدم که جماعتی کم‌تر از ده نفر همراه دارد، پیامبر (دیگری) را دیدم که یک و دو نفر همراه داشت و پیامبری را دیدم که هیچ کس همراه او نیست».

این گفتار چقدر پر محتوا است و این حدیث زیبا خط بطلانی است بر اندیشه‌ی آن دسته از کج اندیشان و کوتاه فکرانی که امروزه چشم‌های آنان به قدرت ظاهری کفر خیره شده و از اقلیت مسلمانان در جهان نسبت به جهان کفر احساس ضعف و حقارت می‌کنند و نمی‌دانند که ملاک ارزش و عزت و سعادت بر غیر از این استوار است. بنابراین وظیفه رهبران مسلمانان و شخصیت‌های علمی آنان روز بروز سنگین‌تر می‌شود و زمان آن فرا رسیده که بپا خیزند و در مسیر بیداری امت اسلامی گام بردارند، شیخ آلبنانی بحق این درد مسلمانان را تشخیص داد و تا جان در بدن داشت آرام و قرار نگرفت تا اینکه به آرامش ابدی رسید. پیام آوران وحی در مسیر اعلای کلمه الله بزرگ‌ترین اسوه بوده و هستند، بویژه خاتم پیامبران چه رنج‌ها و مشقت‌ها که در راه رساندن پیام آسمانی تحمل کردند. علما نیز از این قانون مستثنی نیستند، زیرا آنان وارث واقعی پیامبران هستند. تاریخ رهبران و علمای امت‌ها مملو از ابتلا و آزمایش در امر خصومت مخالفان بوده است. شیخ آلبنانی نیز یکی از این علماست، شیخ همواره در معرض مخالفت‌های اهل بدعت و خرافی‌ها و اهل حقد و حسد قرار داشت، اما خداوند او را پیروز گردانید. زمینه را برایش مهیا کرد و دعوتش را به گوش جهانیان رسانید.

«انسان‌های با خدا و منصف، در حق او جز نیک نگفته‌اند. او با تألیفات و نوشته‌های خود در زمینه‌ی عقیده، احادیث و اصول اسلام برای همیشه تاریخ وجود معنوی خویش را در میان امت اسلامی حفظ کرد و وجودش را فدا کرد تا ندای قرآن و سنت جاوید بماند».

شیخ ناصرالدین آلبنی و دیدگاه او نسبت به ائمه‌ی اربعه

اگر کسی تألیفات و نوشته‌های شیخ ناصر الدین آلبنی را دقیق و بدور از تعصب مورد مطالعه و بررسی قرار دهد قطعاً متوجه این واقعیت خواهد شد که شیخ آلبنی از جمله شخصیت‌هایی بوده است که نسبت به ائمه‌ی اربعه احترام ویژه‌ای قایل شده و نوشته‌هایش مملو از استشهاد به اقوال آنان و نظریاتشان می‌باشد. شیخ آلبنی در کتاب خود «صفة صلاة النبي» در بحث «اقوال الأئمة في اتباع السنة وترك أقوالهم المخالف لها» در بررسی اقوال و نظریات دیدگاه‌های ائمه‌ی اربعه در مورد اتباع از سنت رسول الله به صورت تفصیل نظریات ائمه را ذکر می‌کند که ما خلاصه‌ای از آن را ذکر می‌کنیم.

اولین امام از ائمه‌ی اربعه: امام ابوحنیفه رحمته الله است. اصحاب و یاران (شاگردان) امام از ایشان اقوال و عبارات متنوعی روایت نموده‌اند که همه‌ی آنها بر یک چیز دلالت می‌کند و آن وجوب عمل بر حدیث صحیح است.

از امام ابوحنیفه نقل شده که فرمودند:

۱- «إِذَا صَحَّ الْحَدِيثُ فَهُوَ مَذْهَبِي»^۱. «حدیث صحیح مذهب من است».

۱- علامه ابن عابدین در «الحاشية» (۶۳/۱). همچنین ایشان به نقل از «شرح الهدایة» اثر «ابن الشحنة الكبير شيخ ابن همام» این عبارت را نقل نموده است: هرگاه به حدیث صحیحی دست یافتید که مخالف مذهب شما بود، حدیث را بگیری که همان است مذهب شما و عمل به حدیث صحیح شما را از حنفی بودن بیرون نخواهد کرد، زیرا خود امام ابوحنیفه فرموده است: «إِذَا صَحَّ الْحَدِيثُ فَهُوَ مَذْهَبِي» این را امام ابن عبدالبر و دیگران از ایشان نقل نموده‌اند.

۲- «لا یجل لأحد أن يأخذ بقولنا ما لم يعلم من أين أخذناه». «هیچ کس اجازه ندارد سخن ما را بگیرد (بر آن عمل کند) بدون اینکه بداند ما آن را از کجا گرفته‌ایم».

و در روایتی از ایشان نقل شده است: «حرام علی من لم یعرف دلیلی أن یفتی بکلامی». «حرام است برای کسی که دلیل را نداند مطابق با سخنم فتوا دهد». و در جایی دیگر اضافه بر آن آمده: «فاننا بشر، نقول الیوم ونرجع عنه غدًا». «زیرا ما انسانیم، امروز سخنی می‌گوئیم و فردا از آن رجوع می‌کنیم».

۳- «إذا قلت قولاً یخالف کتاب الله وخبر الرسول فاتركوا قولی». «هرگاه گفته‌ام بر خلاف کتاب الله و حدیث رسول الله بود آن را ترک کنید».

شیخ آل‌بانی در تبیین نظریات ائمه و گفته‌های امام ابوحنیفه می‌نویسد: «تمسک ائمه بر چنین گفته‌هایی در حالیکه خود را مصداق عملی احادیث رسول الله می‌دانستند بر کمال علم و تقوای آنان دلالت می‌کند. زیرا ائمه به ما دستور داده‌اند به احادیث رسول الله تمسک جوئیم و مذهب آن بزرگواران -رحمهم الله تعالی أجمعین- احادیث زیبای رسول الله است نه چیزی دیگر».

شیخ آل‌بانی در کتاب خود -صفة صلاة النبي- می‌نویسد: «هیچ کس حق ندارد در مورد شخصیت امام ابوحنیفه رحمته الله طعن و عیب وارد کند، آنگونه که از افراد نادان و جاهل سر می‌زند، بلکه باید نسبت به امام ادب و احترام را رعایت کرد، زیرا ایشان امامی از ائمه مسلمین هستند که دین اسلام و فروغش بوسیله‌ی آنان حفظ شده و به ما رسیده است».

همانگونه که احترام کنندگان امام ابوحنیفه حق ندارند به گفته‌های ایشان و اقوالی که مخالف با احادیث باشند تمسک جویند و در هر حال ایشان مأجور هستند.

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا﴾.

امام مالک بن انس: از امام مالک نیز سخنان مشابهی نقل شده است.

۱- «إنها أنا بشر أخطيء وأصيب، فانظروا في رأيي، فكل ما وافق الكتاب والسنة فخذوه، وكل ما لم يوافق الكتاب والسنة فاتركوه»^۱. «همانا من انسانم، گاهی اشتباه می‌کنم و گاهی درست، آرا و نظریاتم را بررسی کنید، آنچه را که موافق با کتاب و سنت بود بپذیرید و آنچه را که با آن موافقت نداشت ترک کنید».

۲- «ليس أحد بعد النبي إلا ويؤخذ من قوله ويترك إلا النبي ﷺ». «بعد از پیامبر کسی نیست مگر اینکه گفته‌هایش پذیرفته و ترک می‌شوند مگر شخص رسول الله ﷺ (که به همه گفته‌هایش باید عمل نمود)».

۳- امام شافعی: امام شافعی در مورد وجوب عمل به کتاب و سنت و ترک اقوال مخالف با آن گفته‌های بسیار زیبا و فراوانی دارد از آنجمله:

«إذا وجدتم في كتابي خلاف سنة رسول الله فقولوا بسنة رسول الله ودعوا ما قلت. وفي رواية: فاتبعوها ولا تلتفتوا إله قول أحد» «هرگاه در کتاب من، موردی خلاف سنت رسول الله ﷺ یافتید، سنت پیامبر ﷺ را گرفته و سخن

۱- ابن عبدالبر در «الجامع» (۳۲/۲)، ابن حزم در «أصول الأحكام» (۱۴۹/۶) و الفلانی (ص ۷۲).

مرا رها کنید. و در روایتی فرمود: از سنت پیامبر ﷺ پیروی نمائید و به سخن کسی دیگر توجه نکنید».

«أنتم أعلم بالحديث والرجال مني، فإذا كان الحديث الصحيح، فأعلموني به أي شيء يكون: كوفياً أو بصرياً أو شامياً حتى أذهب إليه إذا كان صحيحاً».

امام شافعی رحمته خطاب به امام احمد رحمته فرمودند: «شناخت شما به احادیث و رجال حدیث از من بیشتر است، بنابراین هرگاه حدیث صحیحی به شما رسید، خواه از کوفه باشد یا از بصره و یا از شام مرا اطلاع دهید تا بسوی آن بروم»^۱.

۴- امام احمد بن حنبل: امام احمد رحمته نسبت به جمع‌آوری احادیث و تمسک به آن تلاش زیادی به خرج داده و درباره‌ی تمسک به سنت رسول الله سخنان گهرباری ایراد داشته از آنجمله:

«من رد حدیث رسول الله فهو علی شفا هلكة». «هر کسیکه حدیث پیامبر را رد کند، بر کناره‌ی پرتگاه نابودی قرار دارد».

شیخ ناصرالدین آلبانی به استناد اقوال ائمه می‌گوید: اگر کسی به همه‌ی آنچه که در سنت (احادیث) به ثبوت رسیده عمل نماید، اگرچه با بعضی از اقوال ائمه تضاد داشته باشد، چنین شخصی نه مخالف با مذاهب ائمه است و نه خارج از راه و روش آنان، بلکه پیرو واقعی ائمه به حساب می‌آید و به ریسمان محکمی چنگ زده که هرگز از هم گسسته نمی‌شود و اما کسیکه سنت صحیحه - احادیث صحیح - را فقط به بهانه‌ی اینکه با قول امام متبوع

۱- عین همین مطلب را شاه ولی الله در حجة الله البالغة با این الفاظ آورده: «أنتم أعلم بالأخبار الصحيحة منا، فاذا كان خبر صحيح فاعلموني حتى أذهب إليه كوفياً كان أو بصرياً أو شامياً».

وی سازگار نیست ترک کند، نه تنها امام خود را خشنود نساخته بلکه از دستورات امام خویش و دیگر ائمه سرپیچی کرده است. خداوند می‌فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [النساء: ۶۵].

«اما نه! به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن به شمار نمی‌آیند تا تو را در اختلافات و درگیری‌های خود به داوری نطلبند و سپس ملالی در دل خود از داوری تو نداشته و کاملاً تسلیم تو باشند».

و خداوند فرموده‌اند: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَن تُصِيبَهُمُ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳]. «آنان که با فرمان او مخالفت می‌کنند باید از این بترسند که بلائی (در برابر عصیانی که انجام می‌دهند) گریبانگیرشان گردد. یا اینکه عذاب دردناکی دچارشان شود».

و دیگر اینکه همه تألیفات و نوشته‌های شیخ ناصرالدین آلبانی گواه زنده هستند بر احترام فوق العاده ایشان نسبت به همه ائمه‌ی دین ائمه‌ی حدیث، رجال، فقه و تفسیر...

مجموعه‌ی سخنرانی‌هایی که از شیخ ناصر در مورد ائمه‌ی بزرگوار دین و تلاش‌های آنان که بصورت نوار در اختیار ماست بالاترین سند ومدرک هستند، برای اینکه وی نسبت به آنان احترام خاصی قائل بوده است.

سخنی پیرامون سلفیه و انتساب به آن

«گفتار حاضر، اختصار و تلخیص بسیار فشرده‌ای است از بیانات شیخ محمد ناصرالدین آلبانی».

واژه‌ی سلف در لغت عرب و شرع چیز مشخص و معروفی است، بنابر این ما در اینجا از دیدگاه شرع آن را بررسی می‌کنیم.

پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ در مرض وفات خویش به سیدتنا فاطمه رضی الله عنها فرمودند: «فَاتَّقِي اللَّهَ وَاصْبِرِي وَنِعْمَ السَّلْفُ أَنَا لَكَ». «ای فاطمه تقوای الهی و صبر را پیشه‌گیر، همانا من بهترین سلف برای تو هستم». کاربرد واژه‌ی سلف بین علما بسیار مشاهده می‌شود. به عنوان مثال:

وكل خير في اتباع من سلف و كل شر في ابتداء من خلف
«هر خیری در پیروی از گذشتگان - سلف صالح - است و هر شری در بدعت‌های آیندگان است».

از طرفی بسیاری از مدعیان علم، منکر انتساب افراد به واژه‌ی سلف هستند و آن را بی اساس می‌دانند و می‌گویند: یک مسلمان اجازه ندارد که بگوید: «أنا سَلْفِي» «من سلفی هستم»، یعنی اینکه بگوید: من در عقیده، عبادت و سلوک پیرو سلف صالح هستم. اگر منظور این است و افراد منکر چنین انتسابی با این مفهوم هستند لازمه‌ی این گفتار تبری از اسلام صحیحی است که سلف صالح و در رأس آنان شخص رسول الله بر آن بوده است. (که قطعاً همه مسلمانان و بویژه اهل علم چنین پنداری را اشتباه محض می‌دانند) و حدیثی در صحیحین آمده که پیامبر ﷺ فرمودند:

«خَيْرُ النَّاسِ قَرْنِي، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ».

«بهترین مردم کسانی هستند که در زمان من زندگی می‌کنند سپس آنان که بعد از ایشان و آنگاه آنان که بعد می‌آیند» (یعنی صحابه، تابعین و اتباع تابعین). این حدیث بیانگر آن است که باید از منهج رسول الله و پیروان آن در این سه قرن پیروی کرد بنابراین هیچ مسلمانی اجازه ندارد از انتساب به سلف صالح - گذشتگان نیک - تبری جوید و کسی که خود را به

سلف صالح نسبت می‌دهد، در واقع به آنچه که رسول الله ﷺ و صحابه بر آن بوده‌اند تمسک جسته است و این خصوصیت از ویژگی‌ها و علایم فرقه‌ی ناجیه است که مصداق گفتار زیبای رسول الله ﷺ است. و هر کس مستمسکش شخص رسول الله و شاگردان او باشند، بحق بر هدایت قرار دارد و انتساب به سلف صالح، نسبت شریفی است و راه و مسیر فرقه‌ی ناجیه را برای منتسب به آن آسان می‌کند. چون دستور پیامبر اسلام همین بوده که به روش او و اصحابش چنگ بزنیم. ما اصرار داریم که فهم ما در مورد کتاب الله و سنت رسول الله موافق با منهج صحابه باشد تا از میل به چپ و راست و از هرگونه انحراف و فهم شخصی در امان باشیم.

چرا فقط با انتساب به کتاب خدا و سنت پیامبرش اکتفا

نمی‌کنیم؟

به دو دلیل: یکی از آن دو متعلق به نصوص شرعی و دیگری متعلق به گروه‌های اسلامی است.

سبب اول اینکه: ما در بررسی نصوص شرعی در کنار اطاعت از کتاب الله و سنت رسول الله به یک نکته‌ی دیگر هم برخورد می‌کنیم و آن اطاعت از «أُولِي الْأَمْرِ» است که خداوند می‌فرماید: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ [النساء: ۵۹]. «از خدا (با پیروی از قرآن) و از پیامبر (خدا محمد ﷺ با تمسک به سنت او) اطاعت کنید و از کارداران و فرماندهان مسلمان خود فرمانبرداری نمائید (مادام که مجری احکام شریعت اسلام باشند)».

بنابراین اطاعت از ولی امر مسلمین که با آن بیعت شده واجب است. همانگونه که اطاعت از کتاب الله و سنت رسول الله ﷺ واجب است، در

حالی که «ولی امر» و اطرافیانش مصون از اشتباه نیستند. اما اطاعت از ولی امر مسلمین به منظور دفع مفسده‌ی اختلاف آراء واجب است، مشروط به اینکه ولی امر مسلمین امر به معروف کند.

به دلیل: «لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ»^۱. «اطاعت از مخلوق در نافرمانی خالق لازم نیست».

و خداوند فرموده: ﴿وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ ۖ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿۱۱۵﴾ [النساء: ۱۱۵].

«کسی که با پیامبر دشمنی کند بعد از اینکه (راه) هدایت (از راه ضلالت) برای او روشن شده است و راهی جز راه مؤمنان در پیش گیرد او را به همان جهتی که دوستش داشته است رهنمود می‌گردانیم و به دوزخش داخل می‌گردانیم و با آن می‌سوزانیم و دوزخ چه بد جایگاهی است».

بدون شک ذکر ﴿سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ در آیه دلالت بر امر مهم و نکته‌ای ظریف دارد و آن اینکه اتباع ما از کتاب الله و سنت رسول الله باید موافق با آن چیزی باشد که نخستین مسلمانان بر آن بوده‌اند که صحابه، تابعین و اتباع تابعین را شامل می‌شود، و این همان فریادی است که دعوت سلفیت آنرا سر می‌دهد و اساس کار و منهج تربیتش را بر آن استوار نموده است بنابراین، دعوت سلفیت نماد بارز اتحاد برای امت اسلامی است و هر دعوتی دیگر نماد افتراق آن. خداوند می‌فرماید: ﴿وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ [التوبة: ۱۱۹].

و کسی که میان کتاب و سنت از یک جهت و میان سلف صالح ﴿سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ از جهتی دیگر جدایی بیاورد و معتقد به افتراق باشد هرگز مصداق واقعی صادقین و راستگویان نیست.

اما نسبت به سبب دوم:

گروه‌ها و احزاب در حال حاضر توجهی به قید ﴿سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ که در آیه‌ی مذکور و احادیث آمده ندارند. از جمله حدیثی که در آن پیامبر ﷺ می‌فرماید: امت من به هفتاد و سه گروه تقسیم می‌شود، همه در آتش هستند، مگر یک گروه که پیامبر ﷺ در مورد آن فرقه‌ی ناجیه فرموده:

«هي التي علي مثل ما أنا عليه اليوم وأصحابي»^۱. «گروه رستگار کسانی هستند که به همان شیوه و روشی قرار دارند که من و اصحابم بر آن هستیم».

و این حدیث بیانگر مفهوم همان‌آیه است و همچنین حدیث «عرباض بن ساریه» که پیامبر ﷺ فرمودند: «فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمُهَدِّينَ مِنْ بَعْدِي». «به سنت من و سنت خلفای راشدین و هدایت یافته بعد از من چنگ بزنید».

در این حدیث از دو سنت ذکر به میان آمده، یکی سنت رسول الله و دیگری سنت خلفای راشدین و ما -متاخرین- وظیفه داریم تا به کتاب الله و سنت رسول الله ﷺ و سبیل المومنین مراجعه کنیم و نمی‌توانیم بگوییم که کتاب و سنت را منهای توجه به روش سلف صالح می‌فهمیم و در این راستا باید عنوانی وجود داشته باشد که ما را از دیگران تمییز دهد. اینکه

۱- سلسله الأحادیث الصحیحة شماره (۲۰۳). صحیح سنن الترمذی ج ۲ ص ۳۳۴ کتاب الایمان، باب افتراق هذه الأمة، الترمذی (۲۶۴۲).

فقط بگوییم: من مسلمان هستم یا دین من اسلام است کافی نیست، بدلیل اینکه همه فرقه‌ها امثال اباضی، قادیانی و فرقه‌های دیگر همین را می‌گویند و اگر شما بگویید: که من مسلمان بر کتاب خدا و سنت رسول الله هستم باز هم کافی نیست، زیرا خیلی از احزاب و فرقه‌های کلامی همین ادعا را دارند. بنابراین باید عنوانی باشد که ممیز و مبین فرد، از میان دیگران باشد و آن عنوان این است که شما بگویید: «أنا مسلم علی الكتاب والسنة وعلی منهج سلفنا الصالح. وھی أن تقول باختصار: أنا سلفی». «من مسلمان هستم (و معتقد) بر کتاب الله و سنت رسول الله بر فهم سلف صالح، که عنوان اختصاری آن این است که شما بگویید: من سلفی هستم».

بنابراین اعتماد (و عمل) بر کتاب و سنت، منهای فهم سلف صالح در علم و عمل و دعوت و جهاد و...، امری غیر مکفی است و از بدیهیات است که صحابه تعصب بر مذهب یا شخص معینی نداشتند که مثلاً یکی ابوبکری یا عمری یا عثمانی یا علوی باشد بلکه هرگاه برای صحابه امکان سؤال از یکی از بزرگان صحابه مثل ابوبکر یا ابوهریره رضی الله عنهما پیش می‌آمد می‌پرسید، زیرا آن فرزندگان ایمان داشتند که اتباع خالص تنها برای یک فرد جز از رسول الله صلی الله علیه و آله جایز نیست.

و اگر ما در مقابل خصم بپذیریم که فقط عنوان مسلمان کافی است آیا آنان در حق خود چنین خواهند کرد و خود را از انتساب به مذهب یا حزب یا روششان باز می‌دارند؟

فحسبکم هذا التفاوت بیننا

وکل إناء بما فیه ینضح.

والله الهادی إلى سواء السبیل وهو المستعان.

ندای اتحاد و رنج اختلاف در بیان شعر

بود عهد رسول و صحبت آل
آن یکی بگرفت راه اعتزال
آن یکی جبری شد و آن اصلی
آن یکی زیدی و دیگر جعفری
هر که آمد مذهبی نو بنیاد کرد
مختصر هفتاد و سه فرقه شدند
وصف ناجی را به یک فرقه دهند
گفت پیغمبر امام مرسلین
هر که باشد پیرو من، هادی است
اهل سنت پیروان حضرتند
حق کجا و پیرو بدعت کجا
ناجی آن باشد که حق را پیرو است
گر توخواهی باشی از اهل نجات
توبه کن از پیروی عمرو و زید
پاره کن یکسر حجاب ننگ و عار
غیر سنت جمله از خود دور کن
آنچه اصل دین بود آن را بدان

مذهب اسلام چون آب زلال
آن دگر ارجاء و دیگر گشت غال
آن یکی شیخی و دیگر کاملی
آن یکی شد عجردی آن اشعری
دشمنان دین حق را شاد کرد
جملگی بر ضد همدیگر بُدند
جمله، هفتاد و دو فرقه گم‌رهند
در جواب پرسش سائل چنین
منحرف، سرگشته، اندر وادی است
دیگران اتباع غی و بدعتند
حق کجا و منکر سنت کجا
حرف منکر، بی‌اساس و وعواست
ترک کن افسانه‌ی لات و منات
خویش را آسوده کن از مکرو کید
بنده حق شو بحق ایمان بیار
هم رسول و هم خدا مسرور کن
سوی کهساران دگر یکران مران

وفات شیخ محمد ناصرالدین آلبانی

میزان فعالیت هرچه وسیع و عمر هر اندازه که طولانی باشد، پایان آن مواجه با مرگ است و شیخ نیز از این قاعده مستثنی نیست، پس از سال‌ها زحمت و تلاش، تصنیف و تألیف و نگارش، سخنوری و دعوت در راه دین الله، اکنون قلم از لای انگشتان شیخ می‌افتد و صدای روح بخش و لطیف او خاموش می‌شود و زبانی که برای ادای کلمات در چرخش بود خشک می‌شود و دو لب پرتحرک او از حرکت باز می‌ایستد و اندک اندک چشمان بازش بسته می‌شود و صدای تپش قلب دیگر شنیده نمی‌شود... إنا لله وإنا

إلیه راجعون.

روز شنبه ۲۲ جمادی الاخره سال ۱۴۲۰ هـ. برابر با دوم اکتبر سال ۱۹۹۹ م. قبل از غروب آفتاب در عمان پایتخت اردن خداوند امانت خود را پس گرفت.

جمع حاضر هنگام وفات شیخ متأثر و متألم می‌شوند، و رای آنان طلاب، دانشجویان و دانشگاہیان جهان اسلام بویژه طلاب رشته‌ی حدیث از خبر وفات ایشان در غم و حسرت از دست رفتن چنین شخصیتی به سر می‌برند. مراسم تجهیز و تکفین به سرعت انجام می‌گیرد و بعد از نماز عشاء به امامت شاگرد نیکو صفت ایشان «محمد بن ابراهیم شقره» بر او نماز جنازه خوانده می‌شود. شیخ از منزلش حمل بر شانه‌ها سوی قبرستان برده می‌شود و در قبرستانی قدیمی و متروکه (طبق وصیتش) به خاک سپرده می‌شود. روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

وصیت شیخ به عموم امت

إن الحمد لله، نحمده، ونستعينه، ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا، ومن سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له، ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله.

و بعد: وصیت اینجانب به تمام مسلمانان روی زمین بویژه برادرانی که در دعوت مبارک (عمل به) کتاب و سنت بر منهج سلف صالح با ما نسبت و اشتراکی دارند، ابتدا خود و آنان را به تقوا و خدا ترسی سفارش می‌کنم، سپس به فراگیری هرچه بیشتر علم نافع همانگونه که خداوند متعال فرموده: ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمَكُمُ اللَّهُ﴾ [البقرة: ۲۸۲].

و معرفت و بصیرت داشته باشند تا علم صالح و شایسته‌ای که در میان همه‌ی ما موجود است از کتاب و سنت و از منهج سلف صالح خارج نشود، تا توان دارند در کنار فراگیری هر چه بیشتر این علم به آن عامل باشند تا علم علیه آنان حجتی نباشد بلکه به نفع آنان برهانی باشد:

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٩﴾﴾

[الشعراء: ۸۸-۸۹].

«آن روزی که اموال و اولاد سودی نمی‌رسانند بلکه تنها کسی که با دل سالم به پیشگاه خدا آمده باشد.»

سپس همه مسلمانان و بویژه کسانی را که در دعوت بر منهج سلف صالح با ما نسبت و اشتراکی دارند از مشارکت با بسیاری از کسانی که به سبب کارهای خیلی زیادی از روش قرآن و سنت طبق فهم سلف صالح بیرون رفته‌اند که (در یک کلمه می‌توان گفت) با این کارها علیه مسلمانان و جماعت‌های آنان خروج کرده‌اند برحذر می‌دارم و از آنان می‌خواهم آنگونه

باشند که پیامبر ﷺ در حدیث صحیح فرموده‌اند: «كُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا» «بندگان خدا و باهم برادر باشید». ما وظیفه داریم مخالفان خود را نیز دعوت دهیم و همواره بر این آیه‌ی مبارکه عامل باشیم:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ [النحل: ۱۲۵].

«(ای پیغمبر) مردمان را با سخنان استوار و بجا و اندرزهای نیکو و زیبا به راه پروردگارت فرا خوان، و با ایشان به شیوه‌ی هر چه نیکوتر و بهتر گفتگو کن».

در دعوت به روش حکمت آمیز، قبل از همه سرسخت‌ترین مخالفان را که در مبدأ و عقیده با ما مخالف هستند دعوت دهیم، تا بین (ثقل) دعوت حق، که خدا بر ما مَتَّ فرموده و ثقل اسلوب نادرست، در دعوت بسوی خدا جمع نکرده باشیم. از همه برادران در تمام شهرهای اسلامی می‌خواهم تا (سیرت و صورت خود را) با آداب اسلامی مزین نمایند و در همه‌ی کارها رضای الهی را مد نظر داشته باشند و خواهان پاداش و تشکر (از مردم) نباشند. به این امید که در این مقدار کفایت باشد.

والحمد لله رب العالمین

فرازهایی از وصیت نامه شیخ محمد ناصرالدین آل‌بانی

اولاً: به همسر، فرزندان، دوستان و ارادتمندانم سفارش می‌کنم چون خبر وفاتم را شنیدند، ابتدا برایم دعای مغفرت و رحمت بفرستند و با صدای بلند گریه نکنند و نوحه خوانی سر ندهند.

ثانیاً: در امر تدفین عجله به خرج دهند^۱ و از اقارب و برادران فقط به اندازه‌ای خبر کنند که امر تجهیز حاصل شود.

سرپرستی غسل را همسایه و دوست مخلصم (عزت خضر ابو عبدالله) بعهده گیرند و هر کسی که ایشان به عنوان کمک اختیار کنند.

ثالثاً: قبرم را در نزدیک‌ترین مکان انتخاب کنند تا حمل کنندگان جنازه‌ام ناچار به سوار شدن به ماشین نشوند، البته تشییع کنندگان به ماشین‌های خود سوار شوند. جسد را در قبرستانی قدیمی و متروکه دفن کنند. تقاضا دارم در هر شهری که وفات کردم کسانی را که خارج از شهر هستند خبر نکنند حتی فرزندانم را مگر بعد از تشییع جنازه تا احساسات و عواطف برانگیخته نشده و در نتیجه، سبب تأخیر جنازه‌ام نشود. از خداوند مسئلت دارم در حالی او را ملاقات کنم که همه‌ی گناهانم را بیامرزد.

همه‌ی کتاب‌های کتابخانه‌ام را اعم از چاپی، مصور و خطی با خط خودم یا دیگران را به کتابخانه‌ی دانشگاه اسلامی مدینه‌ی منوره اهدا می‌نمایم، زیرا در آنجا در امر دعوت به کتاب و سنت بر منهج سلف صالح در روزهایی که در آنجا تدریس می‌کردم خاطرات خوبی به یاد دارم.

راجیاً من الله تعالی أن ینفع بها روّادها كما نفع بصاحبها یومئذٍ طلابها. وأن

ینفعنی بهم، باخلاصهم دعواتهم.

۲۷/ جمادی الاولی سال ۱۴۱۰ هـ.

۱- مطابق با وصیت شیخ، مراسم تجهیز و تکفین در کم‌ترین زمان ممکن صورت می‌گیرد. قبل از نماز مغرب وفات می‌کنند و بعد از نماز عشاء با فاصله‌ی کم‌تر از سه ساعت بر ایشان نماز جنازه اقامه می‌شود. تشییع کنندگان جنازه‌ی شیخ در حدود پنج هزار نفر یا بیشتر تخمین زده شدند. اینچنین مرگ و زندگی ایشان مطابق با سنت رسول الله سپری شد. (بیوگرافی شیخ با قلم عبدالحمید الحلبي ص ۲۹).

محمد ناصر الدین الالبانی

﴿رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي دُرِّيَّتِي ۗ إِنَّي تَوَّابٌ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾
[الأحقاف: ۱۵].

وصیت شیخ برای طالب علم مبتدی

به طلابی که در ابتدای فراگیری علوم دینی هستند، توصیه می‌کنم از میان کتاب‌های فقهی، کتاب «فقه السنة» تألیف شیخ سید سابق را همراه با بعضی از مراجع مانند «سبیل السلام» را بخوانند و اگر در کنار فقه السنة از «تمام المنة»^۱ نیز استفاده کنند بهتر است و نیز خواندن کتاب «الروضة الندية».

از میان کتاب‌های تفسیر قرآن، خود را به خواندن کتاب «تفسیر القرآن العظيم» از حافظ ابن کثیر عادت دهند، هر چند که (مطالب) این کتاب طولانی است اما از صحیح‌ترین کتاب‌های تفسیر به شمار می‌رود. از بین کتاب‌های مواعظ و نصایح کتاب «ریاض الصالحین» اثر امام نووی را مطالعه کنند.

از کتاب‌های عقیده - خواندن کتاب «شرح العقيدة الطحاوية» تألیف ابن ابی العز الحنفی، با کمک تعلیق و شرحی که بر آن نوشته‌ام و بطور عموم کتاب‌های «شیخ الاسلام ابن تیمیه» و شاگردش «ابن قیم الجوزیه» را مورد

۱- تمام المنة اثر زیبای شیخ ناصر الدین است که تعلیقی است بر کتاب فقه السنة سید سابق و اینکه شیخ می‌گوید: استفاده از تمام المنة بهتر است، دلالت بر تواضع شیخ ناصر الدین می‌کند و اگر نه مطالعه آن در کنار فقه السنة ضروری و الزامی است.

مطالعه قرار دهند. زیرا به عقیده‌ی بنده این دو شخصیت از جمله علمای کم نظیری هستند که در فهم دین مسیر و منهج سلف صالح را پیموده‌اند و انسان‌های با تقوا و شایسته‌ای بوده‌اند. -ولا تزکي على الله أحداً-.

تألیفات شیخ آلبنی

تحقیقات شیخ آلبنی که در زمینه‌های مختلف، در طول دوران زندگی پر بار علمی خویش تألیف نموده‌اند. بسیاری از آنها چاپ و در دسترس علاقه مندان قرار دارد و بسیاری دیگر بصورت نسخه‌های خطی هستند، که در فهرست مشخص شده‌اند.

- ۱- الأمثال النبویة - تألیف (خ).
- ۲- أحادیث الإسراء والمعراج - تألیف (خ).
- ۳- أحادیث التحري والبناء على اليقين في الصلاة - تألیف (خ).
- ۴- أحكام الجنائز - تألیف.
- ۵- أحكام الركاز - تألیف (خ).
- ۶- أداء ما وجب من بيان وضع الوضاعين في رجب/ لابن دحبة - تحقیق و تخریج.
- ۷- آداب الزفاف - تألیف.
- ۸- إرشاد النقاد في تيسير الاجتهاد/ للصنعاني - تخریج و تعلیق (خ).
- ۹- إرواء الغلیل في تخریج أحادیث منار السبیل - تألیف.
- ۱۰- إزالة الدهش والوله عن المتحیر في صحة حدیث: «مَاءٌ زَمَزَمٌ لِمَا شُرِبَ لَهُ» تخریج.
- ۱۱- إزالة الشكوك عن حدیث البروك - تألیف (خ).

- ١٢- أسباب الاختلاف/ للحميدي - تحقيق (خ).
- ١٣- أسماء الكتب المنسوخة من المكتبة الظاهرية - إعداد (خ).
- ١٤- إصلاح المساجد من البدع والعوائد/ للقاسمي - تخريج و تعليق.
- ١٥- أصول السنة واعتقاد الدين/ للحميدي - تحقيق (خ).
- ١٦- إغاثة اللهفان من مصائد الشيطان/ لابن القيم - تخريج.
- ١٧- اقتضاء العلم العمل/ للخطيب البغدادي - تحقيق و تخريج و تعليق.
- ١٨- الأجوبة النافعة عن أسئلة لجنة مسجد الجامعة - تأليف.
- ١٩- الأحاديث الضعيفة والموضوعة التي ضعفها أو أشار إلى ضعفها ابن تيمية في مجموع الفتاوى - تأليف (خ).
- ٢٠- الأحاديث الضعيفة والموضوعة في أمهات الكتب الفقهية - تأليف (خ).
- ٢١- الأحاديث المختارة/ للضياء المقدسي - تحقيق و تخريج (خ).
- ٢٢- الاحتجاج بالقدر/ لابن تيمية - تحقيق.
- ٢٣- الأحكام الصغرى لعبد الحق - تحقيق و تعليق و تخريج (خ).
- ٢٤- الأحكام الوسطى/ - تخريج و تعليق و تحقيق (خ).
- ٢٥- الأذكار/ للنووي - تعليق و تخريج (خ).
- ٢٦- الأسئلة والأجوبة - تأليف (خ).
- ٢٧- الإكمال في أسماء الرجال/ التبريزي - تحقيق.
- ٢٨- الآيات البيئات في عدم سماع الأموات على مذهب الحنفية السادات/ آلوسی - تحقيق و تخريج.
- ٢٩- الآيات والأحاديث في ذم البدعة - تأليف (خ).
- ٣٠- الإيمان/ لابن أبي شيبة - تحقيق و تخريج و تعليق.
- ٣١- الإيمان/ لابن تيمية - تعليق.
- ٣٢- الإيمان/ لأبي عبيد القاسم بن سلام - تحقيق و تخريج و تعليق.

- ٣٣- الباعث الحثيث شرح اختصار علوم الحديث / لأحمد شاكِر - تعليق.
- ٣٤- التعقيب المبعوث على رسالة السيوطي الطُّرثوث - تأليف (خ)
- ٣٥- التعقيب على رسالة الحجاب / للمودودي - تعليق.
- ٣٦- التعليق الرغيب على الترغيب والترهيب - تأليف (خ).
- ٣٧- التعليق الممجد على موطأ الإمام محمد / للكنوي - تعليق و تحقيق (خ).
- ٣٨- التعليق على رسالة كلمة سواء /... - تعليق ورد. (خ).
- ٣٩- التعليق على سنن ابن ماجه - تخريج (خ).
- ٤٠- التعليقات الجياد على زاد المعاد - تأليف (خ).
- ٤١- التعليقات الحسان على الإحسان - تأليف (خ).
- ٤٢- التعليقات الرضية على الروضة الندية / لصديق حسن خان - تأليف.
- ٤٣- التمهيد لفرض رمضان - تأليف (خ).
- ٤٤- التنكيل بما في تأنيب الكوثري من الأباطيل - تحقيق و تعليق.
- ٤٥- التوحيد / محمد أحمد العدوي - تخريج و تعليق (خ).
- ٤٦- التوسل أنواعه وأحكامه - تأليف.
- ٤٧- الثمر المستطاب في فقه السنة والكتاب - تأليف (خ).
- ٤٨- الجمع بين ميزان الاعتدال للذهبي ولسان الميزان لابن حجر (خ).
- ٤٩- الحديث النبوي / لمحمد الصباغ - تخريج.
- ٥٠- الحديث حجة بنفسه في العقائد والأحكام - تأليف.
- ٥١- الحوض المورود في زوائد منتقي ابن الجارود - تأليف (خ).
- ٥٢- الدعوة السلفية أهدافها وموقفها من المخالفين لها - تأليف (خ).
- ٥٣- الذب الاحمد عن مسند الإمام أحمد - تأليف.

- ٥٤- الرد المفحم على من خالف العلماء وتشدد وتعصب وألزم المرأة أن تستر وجهها وكفيها وأوجب، ولم يقنع بقولهم إنه سنة ومستحب - تأليف (خ).
- ٥٥- الرد على التعقيب الحثيث/ للحبشي الهرري - تأليف.
- ٥٦- الرد على أرشد السلفي - تأليف.
- ٥٧- الرد على السقاف فيما سوده على دفع شبه التشبيه - تأليف (خ).
- ٥٨- الرد على إسماعيل الأنصاري في مسألة الذهب المحلق - تأليف.
- ٥٩- الرد على رسالة التوجيه في بحوث من صفة الصلاة - تأليف (خ).
- ٦٠- الرد على عز الدين بليق في منهجه - تأليف (خ).
- ٦١- الرد على كتاب المراجعات - لعبد الحسين شرف الدين الرافضي - تأليف (خ).
- ٦٢- الرد على كتاب تحرير المرأة في عصر الرسالة - لمحمد عبدالحليم أبوشقة - تأليف (خ).
- ٦٣- الرد على كتاب ظاهرة الإرجاء/ لسفر الحوالي - تأليف (خ)
- ٦٤- الرد على هدية البديع في مسألة القبض بعد الركوع تأليف (خ).
- ٦٥- الروض النضير في ترتيب وتخريج معجم الطبراتي الصغير^١ - تأليف (خ).
- ٦٦- الزوائد على الموارد - تأليف.
- ٦٧- السفر الموجب للقصر - تأليف (خ).

١- «وقد كتب رحمته بخط يده على غلاف الكتاب يوصي بعدم طبعه، لأنه من أوائل مؤلفاته!! قلت: وهو كتاب ضخّم للشيخ فيه نفس طويل وجلد في البحث، ولو رآه الناس لعلموا قيمة الطبقات المحققة من هذا الكتاب في الأسواق. لكنه تواضع العلماء. رحم الله الشيخ رحمه واسعة وأعلى درجته».

- ٦٨- الشهاب الثاقب في ذم الخليل والصاحب/ للسيوطي - تخريج.
- ٦٩- الصراط المستقيم فيما قرره الثقات الأثبات في ليلة النصف من شعبان/ لعلماء الأزهر - تخريج.
- ٧٠- العقيدة الطحاوية شرح وتعليق - تأليف.
- ٧١- العلم لأبي خيثمة - تحقيق وتعليق وتخريج.
- ٧٢- الفهرس الشامل لأحاديث وآثار كتاب الكامل/ لابن عدي - إعداد (خ).
- ٧٣- الفهرس المنتخب من مكتبة خزانة ابن يوسف مراکش - إعداد (خ).
- ٧٤- القائد إلى تصحيح العقائد/ للمعلمي - تعليق.
- ٧٥- الكلم الطيب/ لابن تيمية - تحقيق و تخريج.
- ٧٦- اللحية في نظر الدين - تأليف.
- ٧٧- المحو والإثبات الذي يدعي به في ليلة النصف من شعبان - تأليف (خ).
- ٧٨- المرأة المسلمة/ لحسن البنا - تخريج.
- ٧٩- المستدرك على المعجم المفهرس لألفاظ الحديث - تأليف (خ).
- ٨٠- المسح على الجوربين والنعلين - تأليف و تذييل.
- ٨١- المصطلحات الأربعة في القرآن/ للمودودي - تخريج (خ).
- ٨٢- المغني عن حمل الأسفار في الأسفار/ للحافظ العراقي - تعليق و تخريج (خ).
- ٨٣- المناظرات و الردود - تأليف (خ).
- ٨٤- المناظرة بين الشيخ الألباني والشيخ الزمزمي - نسخها عبدالصمد البقالي (خ).
- ٨٥- المنتخب من مخطوطات الحديث في المكتبة الظاهرية - تأليف.

- ٨٦- النصيحة بالتحذير من تخريب (ابن عبدالمنان) لكتب الائمة
الرجيحة، ومن تضعيفه لمئات الأحاديث الصحيحة- تأليف.
- ٨٧- بداية السؤل في تفضيل الرسول/ للعزبن عبد السلام - تحقيق و
تخريج.
- ٨٨- بغية الحازم في فهارس مستدرک الحاکم - إعداد (خ).
- ٨٩- بين يدي التلاوة - تأليف (خ).
- ٩٠- تاريخ دمشق/ لأبي زرة - رواية أبي ميمون - تحقيق و تعليق (خ).
- ٩١- تأسيس الأحكام شرح بلوغ المرام/ للشيخ أحمد بن يحيى النجمي
- تعليق طبع الجزء الاول.
- ٩٢- تحذير الساجد من اتخاذ القبور مساجد - تأليف.
- ٩٣- تحريم آلات الطرب - تأليف.
- ٩٤- تحقيق معني السنة/ لسليمان الندوي - تخريج.
- ٩٥- تخريج أحاديث كتاب مشكلة الفقر/ للقرضاوي - تأليف.
- ٩٦- تخريج أحاديث موسوعة البيوع - تأليف.
- ٩٧- تخريج حديث أبي سعيد الخدري في سجود السهو- تأليف (خ).
- ٩٨- ترجمة الصحابي أبي الغادية، ودراسة مرويات قتله عماربن ياسر -
تأليف (خ).
- ٩٩- تصحيح حديث إفطار الصائم - تأليف.
- ١٠٠- تلخيص أحكام الجنائز - تأليف.
- ١٠١- تلخيص حجاب المرأة المسلمة - تأليف (خ).
- ١٠٢- تلخيص صفة صلاة النبي ﷺ - تأليف.
- ١٠٣- تمام المنة في التعليق على فقه السنة - تأليف (خ).
- ١٠٤- تمام النصح في أحكام المسح - تأليف.
- ١٠٥- تمام تمام المنة في التعليق على فقه السنة - تأليف.

- ١٠٦- تهذيب صحيح الجامع الصغير وزيادته والاستدراك عليه - تأليف (خ).
- ١٠٧- تيسير انتفاع الخلان بترتيب ثقات ابن حبان - تأليف (خ).
- ١٠٨- جلاباب المرأة المسلمة - تأليف.
- ١٠٩- جواب حول الاذان وسنة الجمعة - تأليف (خ).
- ١١٠- حجاب المرأة ولباسها في الصلاة/ لابن تيمية - تحقيق و تعليق و تخريج.
- ١١١- حجة النبي ج كما رواها عنه جابر س - تأليف.
- ١١٢- حجة الوداع (خ).
- ١١٣- حقوق النساء في الإسلام/ لرشيد رضا - تعليق.
- ١١٤- حقيقة الصيام/ لابن تيمية - تخريج.
- ١١٥- حكم تارك الصلاة - تأليف.
- ١١٦- خطبة الحاجة - تأليف.
- ١١٧- دفاع عن الحديث النبوي - تأليف.
- ١١٨- ديوان الضعفاء والمترولين/ للذهبي - تحقيق و تعليق (خ).
- ١١٩- رجال الجرح و التعديل لابن أبي حاتم - إعداد (خ).
- ١٢٠- رفع الأستار لإبطال أدلة القائلين بفناء النار/ للصنعاني - تحقيق و تعليق.
- ١٢١- رياض الصالحين/ للنووي - تخريج.
- ١٢٢- زهر الرياض في رد ما شنعه القاضي عياض على من أوجب الصلاة على البشير النذير في التشهد الأخير/ للخضيرى - تحقيق و تعليق (خ).
- ١٢٣- سؤال و جواب حول فقه الواقع - فتوى.
- ١٢٤- سبل السلام للصنعاني - تعليق (خ).

- ١٢٥- سلسله الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها (١-٦) مطبوع، والمجلد السابع تحت الطبع، و به ينتهي الكتاب - و توجد قطعة من الثامن - تأليف.
- ١٢٦- سلسله الأحاديث الضعيفة والموضوعة واثرها السيء في الأمة (١-٥) مطبوع (السابع والسابع تحت الطبع) و الكتاب خمسة عشر مجلداً - تأليف.
- ١٢٧- شرح العقيدة الطحاوية/ لابن أبي العز الحنفي - تخريج.
- ١٢٨- صحيح ابن خزيمة - مراجعه و تخريج.
- ١٢٩- صحيح الأدب المفرد - تأليف.
- ١٣٠- صحيح الإسراء والمعراج - تأليف (خ).
- ١٣١- صحيح الترغيب والترهيب - اختيار و تخريج.
- ١٣٢- صحيح الجامع الصغير وزيادته - تأليف (خ).
- ١٣٣- صحيح السيرة النبوية - تأليف (خ).
- ١٣٤- صحيح الكلم الطيب - تأليف (خ).
- ١٣٥- صحيح سنن ابن ماجه - تأليف.
- ١٣٦- صحيح سنن أبي داود^١ (خ).
- ١٣٧- صحيح سنن أبي داود - تأليف.
- ١٣٨- صحيح سنن الترمذي - تأليف.
- ١٣٩- صحيح سنن النسائي - تأليف.
- ١٤٠- صحيح كشف الأستار عن زوائد البزار/ للهيثمى (خ).

^١ - «سلك فيه الشيخ رحمه الله مسلكه في «الإرواء» فهو غير صحيح سنن أبي داود وضعيف سنن أبي داود المطبوع أولاً من قبل مكتب التربية العربي واخيراً من قبل مكتبة المعارف بالرياض».

- ١٤١- صحيح موارد الظمان - تأليف.
- ١٤٢- صفة الفتوى والمفتي والمستفتي / لابن حمدان - تخريج و تعليق.
- ١٤٣- صفة صلاة النبي ﷺ - تأليف.
- ١٤٤- صلاة الاستسقاء - تأليف (خ).
- ١٤٥- صلاة التراويح - تأليف.
- ١٤٦- صلاة العيدين في المصلي خارج البلد هي السنة - تأليف.
- ١٤٧- صلاة الكسوف و مارأى (ص) فيها من الآيات - تأليف (خ).
- ١٤٨- صوت الطبيعة ينادي بعظمة الله / لعبد الفتاح الإمام - تخريج.
- ١٤٩- صوت العرب تسأل و ناصر الدين يجيب^١.
- ١٥٠- صيد الخاطر / لابن الجوزي - تخريج.
- ١٥١- ضعيف الأدب المفرد - تأليف.
- ١٥٢- ضعيف الترغيب والترهيب - اختيار و تخريج.
- ١٥٣- ضعيف الجامع الصغير وزيادته - تأليف.
- ١٥٤- ضعيف سنن ابن ماجه - تأليف.
- ١٥٥- ضعيف سنن أبي داود - تأليف.
- ١٥٦- ضعيف سنن الترمذي - تأليف.
- ١٥٧- ضعيف سنن النسائي - تأليف.
- ١٥٨- ضعيف كشف الأستار عن زوائد البزار / للهيثمى (خ).
- ١٥٩- ضعيف موارد الظمان - تأليف.
- ١٦٠- ظلال الجنة في تخريج السنة - تأليف.
- ١٦١- عودة إلي السنة - تأليف (خ).

- ١٦٢- غاية الآمال بتضعيف حديث عرض الأعمال والرد علي الغماري بصحيح المقال - تأليف (خ).
- ١٦٣- غاية السمرام في تخريج أحاديث الحلال والحرام - تأليف.
- ١٦٤- فتنة التكفير - فتوى.
- ١٦٥- فتوى حكم تتبع آثار الأنبياء والصالحين - تأليف.
- ١٦٦- فضائل الشام ودمشق - تخريج.
- ١٦٧- فضل الصلاة على النبي ﷺ - تحقيق و تخريج.
- ١٦٨- فقه السيرة / للغرالي - تخريج.
- ١٦٩- فهرس أحاديث كتاب التاريخ الكبير للبخاري - إعداد (خ).
- ١٧٠- فهرس أحاديث كتاب الشريعة للأجري - إعداد (خ).
- ١٧١- فهرس أسماء الصحابة الذين أسندوا الأحاديث في معجم الطبراني الأوسط - إعداد (خ).
- ١٧٢- فهرس الصحابة الرواة في مسند الإمام أحمد بن حنبل - إعداد.
- ١٧٣- فهرس المخطوطات الحديثية في مكتبة الأوقاف الحلبية - تأليف (خ).
- ١٧٤- فهرس كتاب الكواكب الدراري لابن عروة الحنبلي - إعداد (خ).
- ١٧٥- قاموس البدع - تأليف (خ).
- ١٧٦- قاموس الصناعات الشامية لمحمد - سعيد القاسمي - تخريج مشاركة مع الشيخ محمد بهجت البيطار.
- ١٧٧- قصة نزول عيسى ﷺ وقتله الدجال - تأليف (خ).
- ١٧٨- قيام رمضان - تأليف.
- ١٧٩- كتاب الصلاة الكبير - تأليف (خ).
- ١٨٠- كشف النقاب عما في كلمات أبي غدة من الأباطيل والافتراءات - تأليف.

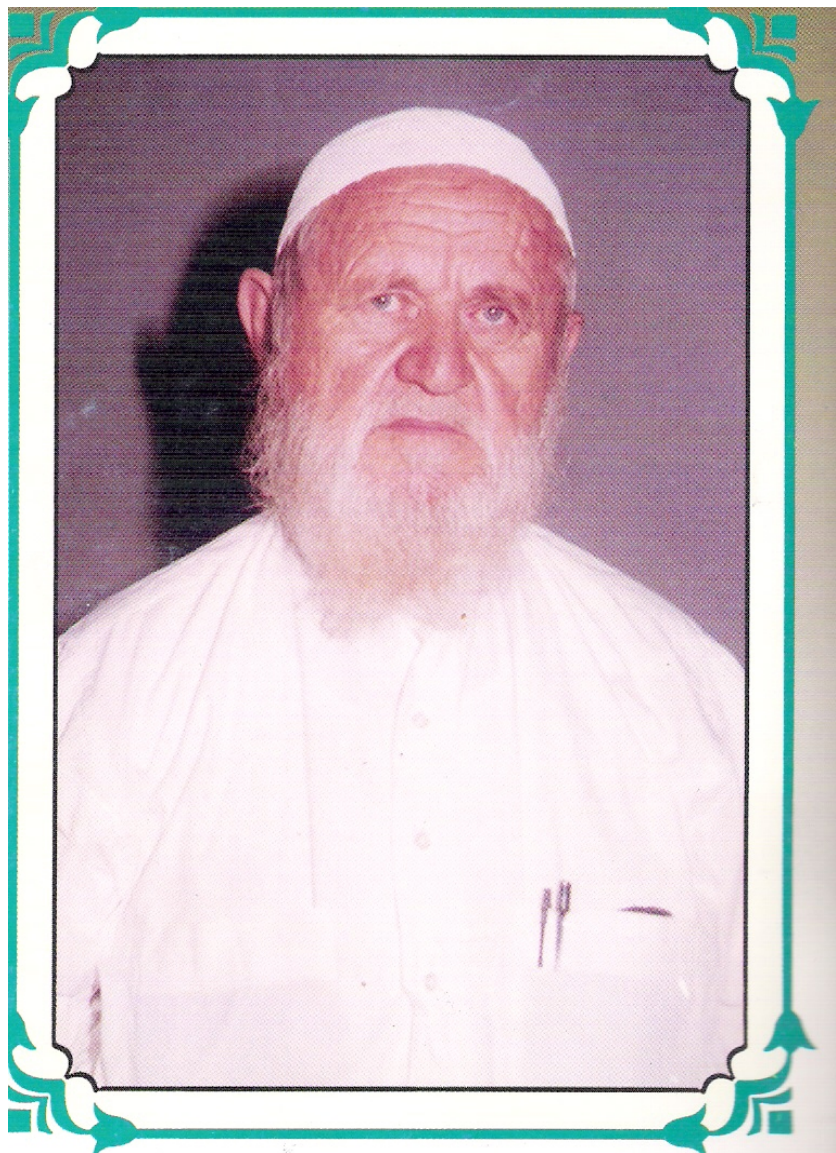
- ١٨١- كلمة الإخلاص وتحقيق معناها/ لابن رجب - تخریج.
- ١٨٢- كيف يجب أن نفسر القرآن - تألیف (خ).
- ١٨٣- لفتة الكبد إلى نصيحة الولد لابن الجوزي - تحقيق وتخریج
مشاركة مع الأستاذ محمود مهدي استانبولي.
- ١٨٤- ما دل عليه القرآن مما يعضد الهيئة الجديدة/ للأوسى - تخریج.
- ١٨٥- مجموع الفتاوى^١.
- ١٨٦- مختصر التوسل - تألیف (خ).
- ١٨٧- مختصر الشمائل المحمدية/ للترمذي - اختصار وتحقيق.
- ١٨٨- مختصر العلو للعلي العظيم - اختصار وتحقيق.
- ١٨٩- مختصر تحفة المودود/ لابن القيم - اختصار وتخریج (خ).
- ١٩٠- مختصر تعليق الشيخ محمد كنعان (خ).
- ١٩١- مختصر شرح العقيدة الطحاوية (خ).
- ١٩٢- مختصر صحيح البخاري (١-٤) - اختصار و تعليق.
- ١٩٣- مختصر صحيح مسلم/ للمنذري - اختصار و تعليق.
- ١٩٤- مختصر صحيح مسلم - تألیف.
- ١٩٥- مذكرات الرحلة إلى مصر - تألیف (خ).
- ١٩٦- مسائل أبي جعفر محمد بن عثمان بن أبي شيبة - تحقيق و
تعليق (خ).
- ١٩٧- مسائل غلام الخلال التي خالف فيها الخرقى - تعليق.
- ١٩٨- مساجلة علمية بين العز عبدالسلام وابن الصلاح - تحقيق و
تعليق.

١- «وهي الفتاوى التي أجاب عنها رحمته في مجالسه العلمية والمسجلة. وتقوم الآن مكتبة المعارف بالرياض بنشر هذه الفتاوى».

- ۱۹۹- مساویء الاخلاق / للخرائطي - تحقیق و تخریج (خ).
- ۲۰۰- مشکاة المصابیح - تخریج.
- ۲۰۱- مع الأستاذ الطنطاوي - تألیف (خ).
- ۲۰۲- معالم التنزیل / للبعوي - تخریج (خ).
- ۲۰۳- معجم الحديث النبوي - تألیف (أربعون مجلداً) (خ).
- ۲۰۴- مناسك الحج و العمرة - تألیف.
- ۲۰۵- مناظرة كتابية مع طائفة من أتباع القاديانية - تألیف (خ).
- ۲۰۶- مناقب الشام وأهله / لابن تيمية - تخریج.
- ۲۰۷- منتخبات من فهرس المكتبة البريطانية - أعداد.
- ۲۰۸- منزلة السنة في الإسلام - تألیف.
- ۲۰۹- موارد السيوطي في الجامع الصغير - تألیف (خ).
- ۲۱۰- زهة النظر في توضیح نخبه الفكر / لابن حجر - تعليق و تحقیق (لم يتم).
- ۲۱۱- نصب المجانيق لنسف قصة الغرائق - تألیف.
- ۲۱۲- نقد التاج الجامع للأصول لمنصور علي ناصف تعليق و تخریج (خ).
- ۲۱۳- نقد نصوص حديثية في الثقافة الاسلامية - تألیف.
- ۲۱۴- هداية الراوة إلى تخریج أحاديث المصابیح والمشكاة / لابن حجر - تخریج.
- ۲۱۵- وجوب الأخذ بحديث الآحاد في العقيدة والأحكام - تألیف.
- ۲۱۶- وصف الرحلة الأولى إلى الحجاز والرياض مرشداً للجيش السعودي - تألیف (خ).
- ۲۱۷- وضع الآثار في ترتيب أحاديث مشكل الآثار - إعداد (خ).
- تصویر تقدیرنامه و اعطای جایزه‌ی بین المللی موسسه خیریه ملک فیصل برای علوم اسلامی در سال ۱۴۱۹ هـ. به شیخ آلبانی.

الصحيحة» «سلسلة الأحاديث الضعيفة»، «تحقيق كتاب مشكاة المصابيح»، «صحيح الجامع الصغير وزيادته» و «ضعيف الجامع الصغير وزيادته» هستند تجليل شده و در پایان این منشور مکتوب است که شیخ آلبنانی شخصیتی علمی و محدثی گرانمایه هستند که برای محافل علمی و طلاب علوم اسلامی بویژه رشته‌ی حدیث حکم مرجع را دارند.^۱

^۱ - ترجمه و توضیح این تقدیرنامه با تلخیص صورت گرفته است.



محمد بن عبد الله بن عبد المطلب